

آیین‌نامه نظارت شرکت‌ها

بر اساس اصول ای سی دی (ECD)

سپتامبر ۲۰۰۲

این آیین‌نامه به منظور بالابردن کارکرد هر چه بهتر شرکت‌های جمهوری اسلواکی تنظیم شده است. از آن جا که صراحت، درستی و مسئولیت‌پذیری از عوامل بنیادین برای جلب اعتماد سرمایه‌گذاران است، این آیین‌نامه نیز بر محور همین سه عامل دور می‌زند. از این رو تأکید بر آن است که شرکت‌ها تشویق به پذیرفتن این آیین‌نامه شوند، برخی از مواد و قرارهای آن را هم اکنون به کار برند، و در گزارش‌های سالانه خود به سهامداران توضیح دهند به چه دلیل وقتی از آنها انتظار می‌رود مواد دیگری را که تاریخ‌دارند به کار بندند، آن نوع قرارها و مواد تاریخ‌دار را به کار نمی‌برند. امید بر آن است که شرکت‌ها بتوانند گام به گام و هر چه بیشتر موادی از این آیین‌نامه را به کار بندند که ظرف یکی دو سال قادر به اجرای کامل آن نیستند.

همه اظهاراتی که شرکت‌ها پیرامون این آیین‌نامه می‌کنند باید به طور مستقل مورد رسیدگی و تأکید قرار گیرند و بدین ترتیب شرکت‌ها تشویق می‌شوند تا به حساب‌رسان خود تعلیم دهند این موارد رسیدگی شده را در حساب‌رسی سالانه خود مراعات کنند. هدف این است که این آیین‌نامه با اصلاحیه‌های پیشنهادی نظام‌نامه تجاری همراه باشد، تا در مواردی توجیه‌گر دلایل اصلاحیه و شیوه‌های تحقق آنها باشد؛ و در موارد دیگری ضامن اجرای بهترین شیوه کار باشد. پیشنهاد شده است که تنها راه برای پیشبرد شیوه‌های کار در این حوزه‌ها همانا تغییرات قانونی است. اما در عین حال تصور بر این است که در این مرحله هنوز مشکل است که همه شرط‌ها (قرارها) را در قانون گنجانید تا بعد در مورد همه شرکت‌های بزرگ یا کوچکی که خصوصی شده‌اند به کار بسته شوند، و این کار ممکن است برای شرکت‌های جمهوری اسلواکی که دوره سختی می‌گذرانند پر هزینه شود و این مانع از آن نمی‌شود که شرط‌های این نظام‌نامه را در اصلاحیه‌های قانونی بعدی بگنجانند.

مرجع بازار مالی (FMA) همراه با (INEKO)، اتحادیه بانک‌ها، اتحادیه سوداگران اوراق بهادار، اتحادیه شرکت‌های مدیریت سرمایه (املاک)، اتحادیه شرکت‌های بیمه و بورس براتیسلاوا (BSSE) با هم به توافق رسیده‌اند که مناسب‌ترین راه برای تحقق این نظام‌نامه

این است که نظام‌نامه را ضمیمه مقررات اجازه معامله اوراق بهادار در بازار بورس براتیسلاو کنند و از شرکت‌ها بخواهند در گزارش‌های سالانه خود پذیرش این نظام‌نامه را اعلام کنند. امید بر آن است که بتوان همه سرمایه‌گذاران مؤسس و وام‌دهندگان را تشویق کرد که نظام‌نامه را بپذیرند و فعالانه شرکت‌هایی را که در آنها سرمایه‌گذاری می‌کنند، چه به صورت پشتوانه و چه به صورت وام، تشویق کنند این نظام‌نامه را بپذیرند و مواد آن را بیش از پیش به کار بندند.

این نظام‌نامه بر اساس اصول پنجگانه زیر در زمینه نظارت شرکت‌ها تنظیم شده است؛ این اصول را (OECD) در آوریل سال ۱۹۹۹ تصویب کرده است

- مسئولیت‌پذیری بخش‌های مدیریت
- [رعایت] حقوق اساسی سهامداران
- رفتار یکسان نسبت به همه سهامداران
- ارایه اطلاعات و شفافیت
- نقش سهامداران در اداره شرکت

به علاوه به مواد و مطالب دیگری نیز ارجاع شده است، از آن جمله نظام‌نامه تلفیقی بازار بورس لندن. این نظام‌نامه بدین منظور تنظیم شده است که مجموعه معیارهایی عرضه کند که مورد پذیرش و کاربرد شرکت‌های جمهوری اسلواکی قرار گیرند، بی‌آنکه لزومی به قانون‌گذاری داشته باشد. این شیوه کار در کشورهای دیگر نیز پذیرفته شده است، که از همه برجسته‌تر کشور انگلستان؛ بسیاری معتقدند این کشور پرچمدار اجرای خوب نظارت بر شرکت‌ها در اروپاست. اصولی که این نظام‌نامه بر اساس آنها شکل گرفته است عبارتند از شفافیت، درستکاری (شرافت کاری)، مسئولیت‌پذیری. شفافیت از سوی شرکت‌ها، البته در محدوده‌ای که وضع رقابتی آنها برایشان تعیین می‌کند، اساسی است که سبب جلب اعتماد می‌شود؛ اعتماد میان کار شرکت‌ها و کسانی که در موفقیت کار شرکت نقشی دارند امری اساسی است، کسانی مثل سهامداران و کارمندان و طلبکاران و سرمایه‌گذاران، و به طور کلی همه مردم.

شفاف بودن در امر اطلاع‌رسانی سبب بالارفتن کارایی اقتصاد بازار می‌شود، و هیئت‌ها را به اقدامات مؤثری تشویق می‌کند و به سهامداران و دیگران، به ویژه به بانکداران و سرمایه‌گذاران بالقوه امکان می‌دهد با دقت هر چه بیشتر شرکت‌ها را مورد مذاقه قرار

دهند، که این خود برای شرکتهایی که از طریق بازار سرمایه در پی جلب سرمایه‌اند از اهمیتی اساسی برخوردار است.

درستکاری یعنی معامله و داد و ستد رو راست و لازمه آن صداقت و ارایه چشم‌اندازی درست و متوازن از شرکت است. پذیرش این مفاهیم تا حدود زیادی سبب از میان رفتن اعمال و رفتارهای غیر اخلاقی‌ای می‌شود که اخیر در بخش‌های مختلف دنیای تجاری جمهوری اسلواکی شایع شده است و کمک زیادی در جهت برقراری فضایی می‌کند که سبب هدایت هم سرمایه‌گذاری اساسی می‌شود و هم سرمایه‌گذاری در اوراق بهادار.

شناخت مسئولیت‌پذیری امری اساسی است و لازمه آن این است که هیئت‌های اجرایی و نظارت مسئولیت تصمیم‌های خود را بپذیرند و این تصمیم‌ها را برای سهامداران و ذینفعان تشریح کنند.

تنظیم اصول (OECD) به منظور یاری‌دادن به دولت‌هاست تا در امر ارزیابی و بهبود ساختار حقوقی، قانونی و نظارتی در زمینه نظارت بر شرکتهای کشور خود کارایی بیشتری پیدا کنند. هدف دیگر از تنظیم این اصول ارایه راهنمایی و پیشنهاد به بازارهای بورس، سرمایه‌گذاران، شرکت‌ها و به مؤسسه‌ها و اشخاصی است که در فرایند بهبود وضع نظارت بر شرکت‌ها صاحب نقشی هستند. این اصول در اصل برای شرکتهای خصوصی شده تنظیم شده‌اند، اما در عین حال ابزار مفیدی برای بهبود وضع نظارت در شرکتهای خصوصی نشده‌اند، مقصود شرکتهایی است که در مالکیت افرادند و شرکتهایی که همچنان در مالکیت دولت هستند.

نظارت خوب جمعی به ویژه در جمهوری اسلواکی و کشورهای دیگری که در مرحله انتقال هستند اهمیت خاصی دارد: در این کشورها تجربه درازمدت و مداوم در حیطة مالکیت غیر دولتی شرکت‌ها و اقدامات جمعی که ملازم آن است وجود نداشته است. نظارت جمعی چارچوبی فراهم می‌کند که بر اساس آن اهداف شرکت‌ها تعیین می‌شود، و ابزار لازم برای رسیدن به این اهداف و هدایت کارها را مشخص می‌کند.

علاوه بر آن، انگیزه‌های مناسبی برای هیئت‌ها ایجاد می‌کند تا به دنبال اهدافی باشند که در جهت منافع شرکت و سهامداران است و سبب تسهیل هدایت مؤثر امور می‌شود، و در نتیجه سبب تشویق شرکت‌ها می‌شود تا از منابع خود به نحو مؤثرتری بهره‌برداری کنند.

رعایت و اجرای خوب نظارت جمعی برای شرکت‌ها منافی در بر دارد که قابل لمس‌اند. سبب تسهیل کار شرکت‌ها به هنگام تحصیل وام می‌شود و شرکت‌ها راحت‌تر می‌توانند سرمایه‌گذاران مناسب را جذب و حفظ کنند و هزینه این گونه فعالیت‌ها را تعدیل می‌کند. اگر سرمایه‌گذار مهمی اعتماد حاصل کند که با وی عادلانه رفتار می‌شود، دیگر در پی کنترل شرکت از طریق کسب سهام و به دست گرفتن پست‌های کلیدی و حساس بر نمی‌آید.

برای شرکت‌هایی که در پی کسب منابع مالی برای بازسازی و بهبود و پیشبرد شرکت هستند، اجرای خوب نظارت. جمعی بیش از پیش از نظر سرمایه‌گذاران بزرگ و اساسی حایز اهمیت بیشتری می‌شود، خود این سرمایه‌گذاران نیز به مقررات و قوانین خاص خویش برای انتخاب نوع شرکت‌هایی که می‌خواهند در آنها سرمایه‌گذاری کنند پای‌بنداند. یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران اساسی کلپرز (Clapers) است: مؤسسه کلپرز سرمایه‌گذار عمده و اساسی مستقر در کالیفرنیاست و مقررات دقیقی دارد که پیش از سرمایه‌گذاری باید اعمال کند، و از پیش شرط‌های این مؤسسه سرمایه‌گذاری آن است که باید اطمینان حاصل کند شرکتی که می‌خواهد در آن سرمایه‌گذاری کند نظارت جمعی را به خوبی رعایت و اجرا می‌کند. اگر شرکت‌ها بخواهند از بازار سرمایه جهانی حداکثر بهره‌برداری را کنند، و اگر بخواهند سرمایه درازمدت جذب کنند، تمهیدات نظارت جمعی آنها حتماً باید قابل قبول و معتبر باشند.

اخیراً یکی از مشکلات عمده جمهوری اسلواکی مسأله رفتار با سهامداران، به ویژه سهامدارانی که متعلق به اقلیت‌های قومی هستند بوده است، که شامل سرمایه‌گذاران اساسی می‌شوند، و این خود به شهرت بازار اسلواکی سخت آسیب رسانده است. آن عده از سرمایه‌گذاران خارجی که سرمایه‌گذاری کرده‌اند، دل‌مشغول تجربه‌هایی هستند که به آن «تونل زدن» (tunnelling) می‌گویند: از این رو این سرمایه‌گذاران برای حفظ سرمایه خود کوشیده‌اند به صورتی فعال در مدیریت شرکت دخالت کنند، و در مواردی همین اقدام سرمایه‌گذاران خود سبب شده است تمهیدات نظارت خوب جمعی بیش از پیش آسیب ببیند. علاوه بر آن، به علت آنکه نظام نامه تجارت اجازه انتخاب الگوهای جایگزین برای پست‌ها و ترکیب هیئت مدیره می‌دهد، همین خود نیز وضع را بیش از پیش آشفته کرده است. پذیرفتن معیارهای نظارت خوب جمعی باید سبب اعتماد روزافزون سرمایه‌گذاران شود و در نتیجه سبب جذب سرمایه بیشتری شود، که هم به صورت اوراق بهادار باشد و هم به صورت FDI از آن جا که سرمایه‌گذاران اساسی صاحب ارزش ویژه‌اند در برخی از بازارها بیش از پیش خواستار آن هستند که در امر نظارت جمعی حق اظهار نظر داشته باشند، که البته باید آنها را به این کار تشویق کرد. اشخاص سرمایه‌گذار معمولاً در پی اعمال حق نظارت نیستند اما ممکن است سخت دل‌مشغول رفتار عادلانه از سوی مدیریت شرکت و سهامداران عمده‌ای باشند که کنترل شرکت در دست آنهاست. لازم است به این نکته اشاره کرد که در بسیاری از کشورها، از طریق حق اظهار نظر، و در واقع از طریق آرای سرمایه‌گذار اساسی است که فرد سرمایه‌گذار متعلق به اقلیت‌ها مورد حمایت قرار می‌گیرد. و بدین ترتیب شرکت فعالانه سرمایه‌گذاران اساسی در بهبود معیارها اهمیت بسزایی دارد. طلبکاران به ویژه بانک‌ها در بعضی از سیستم‌های نظارت نقش مهمی ایفا

می‌کنند، زیرا سعی می‌کنند از ریسک اعتباری و مالی مشتریان خود بکاهند و بدین ترتیب امکان آن را می‌یابند در مقام مانیتور بیرون از شرکت بر کار نظارت کنند. در پی رهیافتی که بازار بورس لندن چند سال پیش برای حمایت از ابتکار مشابهی در انگلستان برگزید، بازار بورس براتیسلاو موافقت کرده است به همه شرکت‌های به ثبت رسیده توصیه کند نظام‌نامه نظارت جمعی را بپذیرند و آن را به کار بندند. از این شرکت‌ها خواسته شده است در گزارش‌های سالانه خود که به همان سال مربوط می‌شود، اطلاع دهند تا چه میزان از اصول این نظام‌نامه تبعیت کرده‌اند.

یک هیئت اجرایی و یک هیئت نظارت کارآمد باید در رأس شرکت قرار گیرد و این هیئت‌ها باید شرکت را هدایت کنند و به سهامداران پاسخگو باشند.

۱- ۱ هیئت اجرایی باید ماهی یک بار تشکیل جلسه دهند و کمال مطلوب آن است که کمتر از یک بار در ماه نباشد و هیئت نظارت باید سالی ده بار تشکیل جلسه دهند و کمال مطلوب آن است که کمتر از سالی ده جلسه نباشد.

۱- ۲ هیئت اجرایی و هیئت نظارت باید دارای یک برنامه رسمی باشند که در آن مواردی که به ویژه به تصمیم‌گیری آنها واگذار شده است قید شده باشد. هیئت اجرایی باید همه کارهای کلیدی مدیریت شرکت را در دست داشته باشد و هیئت نظارت باید به نحو مؤثری بر این کارها نظارت کند.

۱- ۳ همه اعضای هیئت اجرایی و هیئت نظارت باید در مسایل استراتژی، اجرا، منابع شرکت، از آن جمله پست‌های کلیدی و معیارهای رفتار به شکلی مستقل و حرفه‌ای داوری کنند.

۱- ۴ همه اعضای هیئت اجرایی و هیئت نظارت باید دارای روال کار (procedure) تأیید شده باشند تا بعداً در جریان انجام وظایف خود چنانچه به راهنمایی‌های حرفه‌ای نیاز پیدا کنند به خرج شرکت از این راهنمایی‌ها برخوردار شوند.

۱- ۵ همه اعضای هیئت اجرایی و هیئت نظارت باید به راهنمایی و خدمات وکیل شرکت دسترسی داشته باشند؛ وکیل شرکت در مقابل این هیئت‌ها مسئول است و باید مراقبت کند و روال کار هیئت‌ها مراعات شود و از مقررات و قوانین قابل اجرا و مناسب تبعیت کنند.

۱ - ۶ اعضای هیئت نظارت باید از نظر تعداد و از نظر قابلیت در حد رضایت بخشی باشند تا نظرات آنها از وزن مناسب برخوردار باشد. اعضای هیئت نظارت باید مستقل از مدیریت باشند و هیچ گونه وابستگی تجاری یا هر نوع وابستگی دیگری نداشته باشند، خواه با سهامداران اکثریت و خواه یا شرکت، زیرا این وابستگی ممکن است به طور اساسی در کار قضاوت مستقل آنها اختلال ایجاد کنند.

۱- ۷ فردی که نخستین بار به عضویت هیئت اجرایی با نظارت شرکتی که در بورس به ثبت رسیده است منصوب می شود، باید آموزش های لازم و مناسب را ببیند.

۱- ۸ پست عضو هیئت اجرایی با پست عضو هیئت نظارت در تضاد است. مدیر کل شرکت نباید عضو هیئت نظارت باشد.

۱ - ۹ مدیران شرکت موظف هستند اطلاعات مناسب را به موقع برای هیئت اجرایی تهیه کنند. اما امکان زیادی دارد اطلاعاتی که از سوی مدیریت شرکت می رسد در همه موارد کافی نباشد و هیئت اجرایی باید اطلاعات لازم را هر جا لازم باشد کسب کند. رئیس هیئت اجرایی باید مطالب لازم را درباره اموری که در جلسات هیئت پیش می آیند به اطلاع اعضای هیئت برساند.

۱ - ۱۰ هیئت اجرایی وظیفه دارد اطلاعات مناسب را به موقع در اختیار هیئت نظارت بگذارد و به همه پرسش ها و تقاضاهای هیئت نظارت برای اطلاعات بیشتر پاسخ دهد.

۱ - ۱۱ اعضای هیئت نظارت باید در مجمع عمومی سهامداران برای مدت معینی تعیین شوند و ابقای آنها بدون انتخاب مجدد ممکن نیست. اعضای هیئت اجرایی نیز باید در مجمع عمومی سهامداران انتخاب شوند، اما مصوبات شرکت می تواند روش دیگری پیشنهاد کند و اعضای هیئت اجرایی را هیئت نظارت انتخاب کند، که در این صورت هیئت نظارت مسئول چنین گزینشی است. بعد از انتخاب نخست اعضای هیئت اجرایی، این اعضا باید در فواصل زمانی معینی که نباید بیش از پنج سال نباشد مجدداً انتخاب شوند. اسامی اعضای هیئت نظارت و اجرایی هنگام انتخاب یا انتخاب مجدد باید با زندگی نامه آنها با تمام جزئیات همراه باشد.

۱ - ۱۲ سهامداران بالاخص باید برای تصویب همه طرح های تازه درازمدت (از آن جمله خرید و فروش سهام) برای تشکیل مجمع عمومی دعوت شوند، خواه این خرید و فروش ها به صورت نقد باشد یا به صورت سهام؛ اعضای هیئت نظارت یا اجرایی و مدیران ارشد اجرایی باید در این جلسات شرکت کنند، که این خود بالقوه می تواند ارزش سرمایه سهامداران را بیش از یک سال حفظ کند یا ارزش آن را تضعیف کند.

۱- ۱۳ هم هیئت اجرایی و هم هیئت نظارت باید بتوانند قضاوت عینی خود را در مورد امور شرکت اعمال کنند، و این داوری باید به ویژه مستقل از مدیریت شرکت باشد.

۱۴-۱ چارچوب نظارت مشترک باید ضامن راهبرد استراتژیک شرکت باشد، متضمن کنترل مؤثر مدیریت شرکت از سوی هیئت اجرایی باشد، و متضمن پاسخ‌گویی آن به هیئت نظارت، به شرکت و به سهامداران باشد.

۱۵-۱ اعضای هیئت باید وقت کافی صرف مسئولیت‌های خود کنند و هر ساله باید حداقل در ۷۵٪ جلسه‌هایی که به پست مربوط می‌شود شرکت کنند.

شرکت باید حافظ حقوق سهامداران باشد.

۱-۲ حق روش مطمئنی برای ثبت مالکیت؛

۲-۲ حق نقل و انتقال به موقع و سریع سهام و بدون اعتراض غیر منطقی یا مانع تراشی از سوی شرکت؛

۳-۲ حق به دست آوردن منظم و به موقع اطلاعات مناسب درباره شرکت (از آن جمله گزارش‌های سالانه و نیمه‌سالانه و همه اطلاعاتی که احتمال دارد از لحاظ مالی بر قیمت سهام تأثیر بگذارد)، درباره فعالیت‌ها و مدیریت شرکت؛

۴-۲ حق کسب اطلاعات کافی و به موقع مربوط به:

(I) تاریخ، مکان و دستور جلسه مجمع عمومی؛

(II) اطلاعات کامل و به موقع درباره مسایلی که قرار است در مجمع عمومی مورد تصویب قرار گیرند تا سهامدار بتواند در جلسه شرکت کند چه شخصاً و چه به وکالت؛

(III) مقررات شرکت، از آن جمله روال رأی‌گیری که در جلسات مجمع عمومی سهامداران رعایت می‌شود؛

(IV) ترتیب رأی‌گیری در همه جلسات مجمع عمومی سهامداران.

در جمهوری اسلواکی جلسات مجمع عمومی باید در ساعات معمولی کار و در روزهای کار تشکیل شوند و از منظر مکان باید در مکان مناسب و مرکز شهر باشد و در ساعاتی تشکیل شوند که سهامداران را با هزینه غیر منطقی یا مشکلی برای حضور رو به رو نکند.

۲-۵ حق پرسش از هیئت اجرایی و حق افزودن فقره‌های تازه در دستور جلسه، که در حد منطقی محدودیت‌هایی برای آنها قایل می‌شوند.

۲-۶ حق انتخاب اعضای هیئت‌ها

۲-۷ حق سپیم شدن در منافع شرکت؛ اعضای هیئت‌ها نباید گامی بردارند تا پیشنهادی مطرح کنند که سبب کاهش، پنهان کردن یا مانع توزیع عادلانه سود شرکت بر مبنای منصفانه و عادلانه میان سهامداران از جمله سهامداران گروه‌های اقلیت شود.

۸-۲ حق طرح پیشاپیش سؤال و گرفتن پاسخ از اعضای هیئت‌ها.

اعضای هیئت اجرایی و هیئت نظارت نباید دستور جلسه را به شکلی تنظیم کنند که مانع بحث کافی و مستند در جلسه شود و باید به پرسش‌های سهامداران به شکلی مستند و مناسب پاسخ دهند.

۹-۲ وقتی سهامداران می‌خواهند تصمیم‌های پیشنهادی‌شان در دستور جلسه بیاید، حق دارند خواستار حمایت کسانی شوند که دارای تعداد معینی سهام هستند و مطمئن شوند این تصمیم‌های پیشنهادی سهامداران در مجمع عمومی به شکل مناسبی مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرند.

۱۰-۲ حق دادن رأی چه خود او و چه به وکالت او؛ چه شخص خود مستقیماً رای بدهد و چه کسی به وکالت او رأی بدهد، رأی باید ارزش مساوی داشته باشد.

۱۱-۲ حق شرکت کردن و کسب اطلاعات کافی در مورد تصمیم‌گیری‌های زیر:

- اصلاح مصوبه‌ها؛
- اجازه انتشار سهام اضافی و تازه؛ و
- نقل و انتقال‌های فوق‌العاده که منجر به فروش شرکت می‌شود.

۱۲-۲ فرایند و روال کار جلسات مجمع عمومی سهامداران باید به نحوی باشد که با همه سهامداران به نحو مناسب و شایسته‌ای برخورد شود. روال کار شرکت نباید به نحوی باشد که رأی دادن بیش از حد و بی‌جهت پرهزینه و دشوار شود.

سهامداران موظف‌اند همه ترکیب سرمایه یا همه قراردایی را به اطلاع شرکت برسانند که سبب می‌شود کنترل برخی از سهامداران بر شرکت به حدی رسد که در مقایسه با ارزش مالکیت آنها نامتناسب است. شرکت موظف است همه این گونه ترکیب‌های سرمایه و قرارها را بر ملا کند. برخی از ترکیب‌های سرمایه به سهامداران امکان می‌دهد به حدی از کنترل بر شرکت برسند که با ارزش مالکیت آنها نامتناسب است.

لازم است شرکت شیوه مطمئنی را انتخاب کند تا با همه سهامداران و از آن جمله سهامداران گروه‌های اقلیت و خارجی برخورد شایسته شود.

۱-۴ رفتاری که با یک طبقه از سهامداران می‌شود باید مساوی باشد. در هر طبقه، همه سهامداران باید در کار رأی‌دادن دارای حق مساوی باشند همه سرمایه‌گذاران باید قبل از

خرید سهام بتوانند اطلاعات لازم را در مورد حق رأیی که به هر طبقه از سهام مربوط می‌شود به دست آورند. هر گونه تغییری در حق رأی‌دادن باید منوط به رأی سهامداران باشد.

۲-۴ صاحبان اسمی یا امنا باید به صورتی که موافقت شده است و به سود صاحبان سهام است رأی دهند.

۳-۴ بند و بست و به سود خود رأی‌دادن باید ممنوع شود.

۴-۴ اعضای هیئت مدیره و مدیران موظف هستند همه علایق خاصی را که در مذاکرات مطرح شده‌اند یا مسایلی را که بر شرکت اثر می‌گذارد افشا کنند و باید از شرکت در هر نوع رأی‌گیری که بر اساس این گونه مذاکرات صورت می‌گیرد اجتناب کنند.

۵-۴ در همه حال، شرکت‌ها باید شرافتمندانه با سهامداران رفتار کنند و رابطه خوبی با آنان برقرار سازند که شامل موارد زیر می‌شود:

- شرکت‌ها باید همه رأی‌های وکالتی را در جلسات مجمع عمومی بشمارند و بعد شمارش آرا را در مورد هر تصمیم‌گیری بعد از پایان و بلند کردن دست اعلام کنند و همه این گونه تصمیم‌گیری را ثبت کنند، که همیشه باید برای بازرسی سهامداران آماده باشد.

- شرکت‌ها باید برای هر موضوع جداگانه‌ای در مجمع عمومی تصمیم‌گیری جداگانه‌ای را به رأی بگذارند و برای بحث پیرامون این تصمیم‌گیری‌ها زمان معقولی اختصاص دهند. شرکت‌ها باید در جلساتی که به گزارش‌ها و حساب‌ها ارتباط پیدا می‌کند تصمیم‌گیری جداگانه‌ای را به رأی بگذارند.

- رئیس هیئت نظارت باید ترتیبی اتخاذ کند تا رؤسای کمیته‌های حسابرسی، پاداش و انتصاب‌ها در جلساتی که در این موارد تصمیم‌گیری می‌شود حضور داشته باشند و به پرسش‌ها پاسخ دهند.

- شرکت باید ترتیبی دهد تا آگهی تشکیل مجمع عمومی و اوراق مربوطه دست کم ۳۰ روز پیش از تشکیل مجمع به دست سهامداران برسد.

۶-۴ شرکت‌ها باید از مجمع عمومی برای برقراری رابطه با سرمایه‌گذاران خصوصی استفاده کنند و آنها را به شرکت در مجمع عمومی تشویق کنند.

شرکت باید ترتیبی اتخاذ کند تا همه مسایل مالی شرکت به موقع و به دقت آشکار شود، از آن جمله وضع مالی عملکرد، مالکیت، و نظارت شرکت تا به سهامداران امکان داده شود تصمیم بگیرند کجا سرمایه‌گذاری کنند و کجا نکنند.

- ۱-۵ نتایج مالی و فعالیت‌های شرکت.
- ۲-۵ اهداف شرکت.
- ۳-۵ مالکیت عمده سهام و حق رأی.
- ۴-۵ اعضای هیئت‌ها و مدیران اجرایی کلیدی، و پاداش آنها.
- ۵-۵ عوامل خطر ساز مالی قابل پیش‌بینی.
- ۶-۵ امور مالی مربوط به کارمندان و دیگر دست‌اندرکاران.
- ۷-۵ کانال‌هایی برای عرضه اطلاعات باید وجود داشته باشد تا این اطلاعات به موقع و کم هزینه در دسترس استفاده‌کنندگان اطلاعات مربوطه قرار گیرد.
- ۸-۵ ساختار نظارت و خط مشی آن.
- ۹-۵ هیئت‌ها باید به سهامداران پاسخگو باشند و شیوه‌های مطمئن برای کنترل‌های داخلی و مناسب و روال کار بازرسی اتخاذ کنند.
- ۱۰-۵ اقدام مناسب آن است که شرکت‌هایی که در بورس براتیسلاو به ثبت رسیده‌اند کمیته‌هایی برای ممیزی، انتصاب و پاداش تشکیل دهند که از اکثریت اعضای مستقل و به مدت پنج سال تشکیل شده باشند.

سرمایه‌گذاران / سهامداران مؤسس باید در معاملات خود با شرکت مسئولانه عمل کنند.

۱-۶ سرمایه‌گذاران / سهامداران مؤسس مسئولیت دارند از آرای خود استفاده مناسب کنند.

۲-۶ سرمایه‌گذاران / سهامداران مؤسس باید آماده باشند تا هر جا عملی است وارد مذاکره با شرکت‌ها باشند؛ این مذاکرات باید بر اساس درک متقابل اهداف شرکت‌هاست.

۳-۶ زمان ارزیابی ترتیبات نظارت شرکت‌ها، به ویژه جایی که به ساختار و ترکیب هیئت‌ها مربوط می‌شود، سرمایه‌گذاران / سهامداران مؤسس باید وزن کافی به عوامل مربوطه‌ای بدهند که جلب نظر آنها را کرده است.

۴-۶ سهامداران، از آن جمله سرمایه‌گذاران مؤسس باید هزینه و منافع اعمال حق رأی خود را در مد نظر داشته باشند.

۵-۶ سرمایه‌گذاران / سهامداران مؤسس باید خط مشی خود را در مورد شرکت‌هایی که در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند روشن کنند.

۶-۶ سرمایه‌گذاران / سهامداران مؤسس باید بکوشند صورت‌های غیر ضروری معیارهایی را حذف کنند که به ترتیبات نظارت جمعی شرکت‌ها و عملکرد شرکت‌هایی که در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند مربوط می‌شوند.

۶-۷ سرمایه‌گذاران / سهامداران مؤسس در صورت درخواست باید اطلاعات مربوط به ابعاد تصمیم‌هایی را در دسترس مشتریان قرار دهند که به آنها رأی داده شده است. تسلیم شده است.

۶-۸ سرمایه‌گذاران / سهامداران مؤسس باید گامی‌هایی بردارند تا اهداف آنها در رأی دادن جامعه عمل بپوشند.

سهامداران باید صاحب حقوق خاصی باشند و نسبت به شرکت مسئولیت‌هایی را اعمال کنند.

۷-۱ همه سهامداران باید امکان آن را داشته باشند تا در ازای پامال شدن حقوق‌شان خسارت مناسب دریافت کنند.

۷-۲ همه سهامداران باید تشویق شوند و بپذیرند که حقوق آنها، که در مقام سهامدار به دست آورده‌اند، مسئولیت نیز به دنبال دارد.

چارچوب نظارت جمعی باید حقوق قانونی سهامداران را بشناسد و همکاری فعال میان شرکت‌ها و سهامداران را در جهت تولید ثروت، شغل و تداوم حیات شرکت‌هایی که از نظر مالی در وضع مناسبی هستند تشویق کند.

۸-۱ شرکت‌ها باید درک کنند که تشریک مساعی‌های ذینفعان منبع باارزشی برای تشکیل شرکت‌های قابل رقابت و سودآور است و حقوق ذینفعان بر اساس قانون محفوظ‌اند و این حقوق باید محترم باشند.

۸-۲ چارچوب نظارت جمعی شرکت نقش‌های متفاوتی برای ذینفعان در نظر می‌گیرد.

۸-۳ چنانچه ذینفعان در فرایند نظارت جمعی شرکت کنند، باید به اطلاعات مناسب دسترسی داشته باشند.

یک هیئت اجرایی و یک هیئت نظارت کارآمد باید در رأس شرکت قرار گیرد. و این هیئت‌ها باید شرکت را هدایت کرده و پاسخگوی سهامداران باشند.

به هر حال این نکته حائز اهمیت است که سهامداران عملاً درک کنند که شرکت را نمی‌توان از طریق همه‌پرسی سهامداران اداره کرد. هیئت نمایندگی سهامداران در مجمع عمومی شرکت متشکل از افراد و مؤسساتی است که دارای منافع، اهداف، بینش‌های سرمایه‌گذاری و توانمندی‌های متفاوتی هستند. علاوه بر این، مدیران شرکت باید قادر به اتخاذ سریع تصمیمات کاری باشند. با توجه به این واقعیات و پیچیدگی اداره امور شرکت در بازارهای پرتحرک و همواره متغیر، از سهامداران نمی‌توان انتظار داشت که مسئولیت اداره فعالیت‌های شرکت را به عهده گیرند.

مسئولیت استراتژی و عملیات شرکت مشخصاً بر عهده هیئت اجرایی و گروهی از مدیران گذاشته می‌شود که این گروه توسط هیئت نظارت انتخاب، تشویق و در صورت لزوم، تعویض می‌گردد. سهامداران از برخی حقوق برای نفوذ بر شرکت در بعضی موضوعات اساسی، نظیر انتخاب اعضای هیئت و اصلاحات در قوانین شرکت برخوردارند. این نکته ضرورت دارد که تمامی سهامداران، به ویژه سرمایه‌گذاران مؤسس، اهمیت مشارکت در انتخاب اعضای هیئت را درک کرده و پیوسته آنها را به ملزم به پاسخگویی در مورد اقداماتشان و عملکرد شرکت کنند.

از آنجائی که اعضای هیئت‌های اجرایی و نظارت مسئولیت راهبردی و مدیریت کارآمد شرکت را به عهده دارند، موظف به اقدام در جهت منافع شرکت بوده و در مقابل سهامداران پاسخگوی اعمال خود هستند. این مسئولیت و وظیفه در اکثر کشورها موجب ادای احترام نسبت به هیئت‌های اجرایی و نظارت می‌شود، درک این مسئولیت و وظیفه در جمهوری اسلواکی رشد چندانی نداشته است. در حال حاضر رویه بسیاری از هیئت‌ها بهسازی جایگاه مدیریت از طریق قراردادهای مدیریتی سودمند، فروش دارایی‌های شرکت زیر قیمت بازار و سایر ترتیبات ترجیحی است. چنین وضعیتی در سایر کشورها رایج بود تا اینکه مدیریت پی‌برد و پذیرفت که این رویکرد در درازمدت دوام نخواهد داشت و به نفع آنها است که وضع خود شرکت را بهبود بخشیده، به سهامداران ارزش سهامداری

داده و شخصاً به واسطه تدابیر انگیزشی پسندیده منفعت‌رسان باشند. در بسیاری از کشورها، از جمله انگلستان و ایتالیا، این امر هم‌زمان با خصوصی‌سازی شرکت‌های سابقاً دولتی روی داد.

لازم است هرگاه که هیئت‌های اجرایی چه در فعالیت به نفع شرکت ناکام بوده و چه تصمیمات آنها جداً اشتباه از آب درآمد، مسئول قلمداد شده و، چنانچه جایز باشد، استعفا دهند. چنین فرهنگی باید ترویج شود، همانگونه که در سایر کشورهای اروپایی رایج است. یکبار دیگر سرمایه‌گذاران مؤسس نقش مهمی ایفا کرده، و می‌بایست ترغیب گردد که هر جا عملکرد مدیریت و اعضای هیئت ضعیف بوده یا معلوم شود که به نفع شرکت فعالیت نکرده‌اند، خواستار استعفای آنها شوند.

گرایش بین‌المللی به حرفه‌ای شدن فزاینده نقش اعضای هیئت است. در واقع، انجمن مدیران (Institute of Directors) در انگلستان اخیراً یک دوره آموزشی حرفه‌ای، با امتحانات و شرط لیاقت برای مدیران ارائه نموده است. در جمهوری اسلوواکی، در اصلاحیه‌های پیشنهادی برای نظامنامه تجاری، مسئولیت فردی اعضای هیئت، هم هیئت اجرایی و هم هیئت نظارت، به خاطر عملکردشان تصریح شده است. این یک شرط بین‌المللی عادی است و این مسئولیت مشوق آنهایی است که برای هیئت انتخاب می‌شوند تا صادقانه و با دقت و توجه لازم عمل کنند، و تا حدی مبین علت احترام بسیار برای رهبران صنایع در اکثر کشورهای اروپایی است.

اصول فرعی زیر منتج از اصل عمومی اول است و مستلزم اتخاذ و ایجاد رویه‌هایی است که به ارتقای ارزش سهامداری منتهی شود.

۱-۱ هیئت اجرایی باید ماهی یک بار تشکیل جلسه دهند و کمال مطلوب آن است که کمتر از یک بار در ماه نباشد و هیئت نظارت سالی ده بار تشکیل جلسه دهند و کمال مطلوب آن است که کمتر از ۱۰ جلسه نباشد.

تشکیل جلسات کافی و منظم هیئت اجرایی و هیئت نظارت به منظور آنکه بتوانند وظایف خود را به نحو شایسته انجام دهند، از اهمیت بسیاری برخوردار است. از آنجا که اذعان می‌شود اعضای هر دو هیئت موظف به دقت و توجه هستند، آنها می‌بایست همچنین بپذیرند که اگر به طور منظم تشکیل جلسه داده و به نحو شایسته کارهای خود را انجام دهند، می‌توانند صرفاً از خود در مقابل اتهامات قصور در انجام این وظیفه دفاع کنند. بدین ترتیب هیئت اجرایی می‌بایست به منظور بحث و تصمیم‌گیری پیرامون راهبرد شرکت و هیئت نظارت به منظور نظارت بر راهبردی و مدیریت شرکت جلسات کافی و مکرر برگزار

کنند. نیازی نیست که تعداد دفعات تشکیل جلسه هر هیئت دقیقاً طبق توصیه نظامنامه باشد، مشروط بر آنکه جلسات به اقتضای شرکت خاص به تعداد کافی برگزار شود. اصطلاحاً جلسات کاغذی که اعضای هیئت یا صرفاً به منظور امضای دفتر ثبت برگزاری جلسه، تشکیل می‌دهند، یا صورت جلسه به اطلاع اعضایی که هرگز عملاً جلسه‌ای تشکیل نداده‌اند، رسانده می‌شود، رویه پسندیده‌ای برای شرکت‌های عموماً تجارتي نیست.

وجود صورت جلسات مشروح از مذاکرات و تصمیمات اتخاذ شده در هر یک از جلسات هیئت اجرایی و نظارت حائز اهمیت است. همان‌طور که اعضای هیئت وظایف خود را به‌عهده می‌گیرند و مدیران به اجرای آنها می‌پردازند، این صورت جلسات برای تک‌تک اعضا به منظور دفاع از خود، ضروری است. بدین ترتیب مثلاً اگر عضوی با تصمیم هیئت در مورد روند کار مخالف باشد و متعاقباً معلوم شود که آن روند کار اشتباه خطیری بوده است، وی ادعا خواهد کرد که این مسئله در صورت جلسه ذکر شده است.

۲-۱ هیئت اجرایی و هیئت نظارت می‌بایست دارای یک برنامه رسمی باشند که در آن مواردی که به‌ویژه به تصمیم‌گیری آنها واگذار شده است، قید شده باشد.

هیئت اجرایی می‌بایست همه وظایف کلیدی مدیریت شرکت را به‌عهده داشته باشد و هیئت نظارت باید به نحوی مؤثر بر انجام این وظایف نظارت کند.

لازم است که راهبرد و وظایف کلیدی مدیریت توسط هیئت اجرایی انجام شود، و این کارها شامل موارد زیر است:

- بررسی و رهنمود استراتژی شرکت، راه کارهای عمده تدبیر، سیاست مقابله با مخاطرات، برنامه‌های بودجه‌های سالانه و برنامه‌های تجاری، تعیین هدف‌های عملیاتی.
- واریسی اجرای امور و عملکرد شرکت و نظارت بر هزینه‌های عمده سرمایه‌ای، تملک‌ها و سلب مالکیت‌ها.
- انتخاب، جبران خدمات، هدایت و، در صورت لزوم، جایگزینی مدیران کلیدی و نظارت بر برنامه‌ریزی جانشینی.
- بررسی دستمزد مدیر کلیدی و هیئت‌مدیره، و تأمین یک روند رسمی و شفاف برای انتصاب هیئت (منوط به نقش کمیته‌های انتصاب و دستمزد مورد اشاره در ادامه مطالب).

- واری و مهار تضادهای بالقوه منافع مدیریت، اعضای هیئت و سهامداران، از جمله استفاده نابجا از دارایی‌های شرکت و سوءاستفاده در معاملات با اشخاص منسوب.
 - حصول اطمینان از یکپارچگی سیستم‌های حسابداری و گزارشگری مالی، از جمله حسابرسی مستقل، و نیز اطمینان از مرتب بودن سیستم‌های مناسب کنترل، به ویژه سیستم‌های مخصوص مهار ریسک، کنترل مالی، و رعایت قانون (منوط به نقش کمیته حسابرسی).
 - واری کارآیی رویه‌های نظارت که بموجب آنها شرکت فعالیت می‌کند و نیز انجام تغییرات در صورت نیاز.
 - نظارت بر روند ارائه اطلاعات و ارتباطات.
 - ارائه ارزیابی متوازن و قابل درکی از موقعیت و آینده شرکت.
 - نگهداشت یک سیستم کنترل داخلی مطمئن برای تضمین سرمایه‌گذاری سهامداران و حفاظت از دارایی‌های شرکت.
 - حفظ یک رابطه مناسب با حسابرسان شرکت و تنظیم‌کننده بازارهای مالی.
 - حصول اطمینان از رعایت قانون مناسب و اتخاذ بهترین رویه نظارت بر شرکت.
- هیئت نظارت نقش نظارت بر این فعالیت‌ها و حصول اطمینان از اتخاذ تدابیر و شیوه‌های مناسب توسط هیئت اجرایی را به عهده دارد. هیئت نظارت خصوصاً مسئولیت اصلی کمیته‌های حسابرسی، انتصاب و دستمزد (مورد اشاره در اصل ۱۰-۵ ذیل) را هر جا که مستقر باشند، به عهده خواهد داشت.

۳-۱ همه اعضای هیئت اجرای و هیئت نظارت می‌بایست در مسائل استراتژی، اجرا، منافع شرکت، از آن جمله پست‌های کلیدی و معیارهای رفتار به شکلی مستقل و حرفه‌ای دآوری کنند.

در شرایطی آرمانی، تمامی اعضای هیئت می‌بایست به خاطر استقلال و نیز مهارت‌های حرفه‌ای‌شان منصوب شوند. آنها می‌بایست باتوجه به ایجاد توازن مهارت‌ها در هیئت منصوب شوند تا بحث سرپرستی شرکت پرمحتوی باشد. رویه اعطای عضویت در هیئت به کارکنان ارشد دارای سابقه خدمت طولانی، که طی دهه ۱۹۷۰ در انگلستان کاملاً معمول بود،

رویه مطلوبی نیست. تصمیم در مورد هر پست هیئت می‌بایست مبتنی بر مهارت‌هایی باشد که مستقل باشد و از این رو تضاد منافع مانع کار او نشود.

اذعان می‌شود که تبیین مفهوم "استقلال" دشوار است و می‌بایست به اصل ۶-۱ ذیل رجوع کرد. جنبه بسیار مهم این است که عضو "مستقل" می‌بایست قادر به اعمال قضاوت مستقل باشد و از این رو تضاد منافع مانع کار او نشود.

یک قاعده کلی وجود دارد که اعضای هیئت نباید از قدرت خود برای منظوری ناشایست استفاده کنند و فرصت‌های شرکت را در مورد بهره‌برداری شخصی قرار دهند و اجازه ندهند منافع شخصی (که شامل منافع خویشاوندی نزدیک هم می‌شود) با منافع شرکت در تضاد باشد، و نیز از دارائی‌های شرکت سوء استفاده نکنند. اکثر مدیران در سطح جهانی معیار بسیار بالایی از صداقت را از تمامی معتمدان (به ویژه اعضای هیئت) انتظار دارند و آزمایش‌های بسیار سختگیرانه‌ای در مورد آنچه که ناشایستگی، نفع شخصی یا سوء استفاده است، به کار خواهند بست. نظامنامه تجاری خصوصاً ممنوعیتی را در مورد رفتار رقابت‌آمیز پیش‌بینی کرده است (مگر آنکه مقررات یا مصوبه‌ای از مجمع عمومی غیر از آن را مجاز داشته باشد) و، در صورت نقض آن، شرکت می‌تواند انتقال هر گونه منفعت حاصله یا حقوق اکتسابی را طلب کرده و نیز خواستار غرامت شود.

حتی جایی که قوانین شرکت با مفاد نظامنامه تجاری مغایرت دارد، بهترین رویه پذیرفته شده بین‌المللی مستلزم رعایت اصل اعلام نفع است. بدین ترتیب لازم است که اعضای هیئت نفع خود (یا منافع خویشاوند نزدیک) را در هر قرارداد یا قراردادی پیشنهادی با شرکت فاش سازند و قصور در انجام این کار تخلفی انضباطی محسوب می‌شود. فاش‌سازی باید در اولین جلسه هیئت که عضو مربوط در آن حضور یافته و در مورد قرارداد بحث می‌شود یا در اولین جلسه هیئت پس از منتفع شدن او در قرارداد، انجام گیرد. به طور کلی، این مسئله هر گونه معامله یا توافق، از جمله معاملات وام و ضمانت، چه با قرارداد رسمی و چه بدون آن را شامل می‌شود.

۶-۱ همه اعضای هیئت اجرایی و هیئت نظارت باید دارای روال کار تأیید شده‌ای باشند تا بعداً در جریان انجام وظایف خود چنانچه به راهنمایی‌های حرفه‌ای نیاز پیدا کنند، به خرج شرکت از این راهنمایی‌ها برخوردار شوند.

بدیهی است که اعضای هیئت ممکن است در بعضی شرایط نیازمند بهره‌گیری از راهنمایی‌های حرفه‌ای بیرونی به منظور انجام درست وظایفشان باشند. آنها باید قادر به انجام این کار به خرج شرکت باشند به نحوی که هزینه آن اعضا را از بهره‌گیری از چنین راهنمایی‌هایی باز ندارد. منطقی نیست که از هیئت‌ها انتظار داشته باشیم تمامی مهارت‌های لازم برای انجام صحیح وظایفشان در همه شرایط را دارا باشند و بدین رو بایسته است که اعضا در چنین مواردی ترغیب به نظرخواهی از بیرون شوند زیرا این امر در درازمدت به نفع شرکت خواهد بود.

۵-۱ همه اعضای هیئت نظارت می‌بایست به راهنمایی و خدمات وکیل شرکت دسترسی داشته باشند، وکیل شرکت در قبال این هیئت‌ها مسئول است و باید مراقبت کند که کار هیئت‌ها مراعات شود و از مقررات و قوانین قابل اجرا و مناسب تبعیت کنند.

از آنجایی که جمهوری اسلواکی وضع قوانین خود را به اتحادیه اروپا نزدیک می‌سازد، به ناچار شمار فزاینده‌ای از قوانین و مقررات وجود خواهد داشت که باید مراعات شوند. حیطه این قوانین و مقررات می‌تواند از بایگانی گزارش‌ها و صورت‌های مالی سالانه تا رعایت مقررات بورس براتیسلاوا یا اداره ضد انحصار (Anti-Monopoly Office) باشد. از آنجایی که اعضای هیئت دارای وظیفه مراقبت بوده و به موجب تغییرات پیشنهادی در نظامنامه تجاری شخصاً مسئول خواهند بود، ضرورت دارد که وکیلی را به منظور راهنمایی آنها و حصول اطمینان از پیروی صحیح شرکت از قانون و قواعد و مقررات مربوط در دسترس داشته باشند.

در برخی حوزه‌های اختیارات، اعضای هیئت از یک دبیر شرکت بهره‌مند هستند، که نقش او تضمین رعایت قوانین، قواعد و مقررات از سوی شرکت است، اما چنین موردی در حال حاضر در جمهوری اسلواکی وجود ندارد. بهترین رویه برای شرکت‌های بزرگ‌تر اصلاح قوانین آنها با تصریح بر استخدام یک دبیر شرکت، که از سابقه حقوقی مناسبی برخوردار باشد، محسوب می‌گردد تا رعایت قوانین و مقررات از سوی شرکت را تضمین کند. شرکت‌های کوچک‌تر می‌بایست برای انجام چنین وظیفه‌ای وکیلی از بیرون شرکت را به خدمت گیرند.

۶-۱ اعضای هیئت نظارت باید از نظر تعداد و از نظر قابلیت در حد رضایت‌بخشی باشند تا نظرات آنها از وزن مناسب برخوردار باشد. اعضای هیئت نظارت باید مستقل از مدیریت بوده و هیچ‌گونه وابستگی تجاری یا هر نوع وابستگی دیگری نداشته باشند، خواه با سهامداران اکثریت و خواه با

شرکت، زیرا این وابستگی ممکن است به طور اساسی در کار قضاوت مستقل آنها اخلال ایجاد کند.

ممکن است مواردی وجود داشته باشد که رعایت این شرط نظامنامه قانوناً امکان‌پذیر نباشد، مثلاً در مورد بانک‌ها. مادامی که شرکت این مسئله را در گزارش سالانه شرح دهد، آنگاه چنین تلقی خواهد شد این شرط نظامنامه رعایت شده است.

اصول OECD بر این مهم تأکید دارد که هیئت نظارت می‌بایست در امور شرکت قادر به اعمال قضاوت بی‌طرفانه به طور مستقل باشد، خصوصاً مستقل از مدیریت شامل اعضای هیئت اجرایی، سهامداران و افرادی که برای آن شرکت یا هر شرکت تابعه یا مادر کار می‌کنند، یا اشخاص وابسته هستند.

از آنجایی که اعضای مستقل هیئت می‌بایست نماینده منافع سهامداران اقلیت باشند، بسیار مهم است که این اعضای مستقل به هیچ وجه وابسته به سهامداران اکثریت نباشند زیرا این مسئله، حتی جایی که از فرد، به عنوان یک حرفه‌ای، تلقی دیگری برای اعمال قضاوتی مستقل می‌شود، تصویری از عدم استقلال ایجاد می‌کند.

این اعضای مستقل هیئت می‌بایست در کمیته‌های حسابرسی، انتصاب و دستمزد اکثریت را تشکیل دهند تا ثابت شود تابع این نظامنامه هستند.

۷-۱ فردی که نخستین بار به عضویت هیئت اجرایی یا نظارت شرکتی که در بورس به ثبت رسیده است منصوب می‌شود، باید آموزش‌های لازم و مناسب را ببیند.

ضروری است که باورپذیری اعضای هیئت ارتقا یابد تا وظایف و مسئولیت‌های خود را کاملاً درک کنند. این نکته باید قاعده‌ای برای همه اعضای هیئت باشد، اما به عنوان اولین گام توصیه می‌شود که چون نقش اعضای هیئت شرکت‌های ثبت شده در بورس براتیسلاو بسیار مهم‌تر است، و عدت آن این است که سرمایه‌گذاران مؤسس می‌توانند از طرف مشتریان خود در آن شرکت‌ها سرمایه‌گذاری کنند، چنین شرکت‌هایی در اولویت توجه نظامنامه هستند. این قاعده به موقع خود می‌بایست تمامی شرکت‌ها را شامل شود.

۱-۸ پست عضو هیئت اجرایی با پست عضو هیئت نظارت در تضاد است. مدیر کل شرکت نباید عضو هیئت نظارت باشد.

تضاد پست عضو هیئت اجرایی با عضو هیئت نظارت ناشی از قانون مصوب است. مدیر کل نباید دارای پست عضو هیئت نظارت باشد زیرا وی بالاترین شخص اجرایی شرکت است، که فعالیت او تحت سرپرستی هیئت نظارت در قالب نظارت بر کارایی فعالیت تجاری شرکت است.

بایسته است که قدرت شرکت در یک شخص متمرکز نباشد و نیز افراد دارای این نقش‌ها می‌بایست در مقابل سهامداران توانایی پرسش‌پذیری و پاسخگویی نسبت به فعالیت‌ها یا عدم فعالیت‌شان را داشته باشند. اینها همگی بخشی از نظارت مؤثر و مسئولیت‌پذیری در قبال تمامی سهامداران است.

۱-۹ مدیران شرکت موظف هستند اطلاعات مناسب را به موقع برای هیئت اجرایی تهیه کنند. اما امکان زیادی دارد اطلاعاتی که از سوی مدیریت شرکت می‌رسد در همه موارد کافی نباشد و اعضای هیئت اجرایی می‌بایست اطلاعات را هر جا ضروری باشد کسب کنند. رئیس هیئت اجرایی باید مطالب لازم را درباره اموری که در جلسات هیئت پیش می‌آید به اطلاع اعضای هیئت برساند.

اعضای هیئت در قبال سهامداران مسئولیت دارند و بنابراین لازم است که آنها را به نحو احسن مطلع کرد. آنها فقط در صورتی که تمامی اطلاعات بسیار مهم را دریافت و مطالعه کنند و قادر به پرسش از مدیران باشند و پاسخ‌هایشان را ارزیابی کنند، خواهند توانست به نحو شایسته به وظایف خود عمل کرده و به این ترتیب از خود در مقابل اتهامات قصور در اعمال دقت و توجه لازم دفاع کنند. به این دلیل سزاوار نیست که افراد پست‌های متعدد هیئت را در اختیار داشته باشند و این مسئله شامل هم هیئت اجرایی هم هیئت نظارت می‌شود. متعدد بودن پست‌ها موارد کاری متفاوتی را در بردارد اما به عنوان یک قاعده، اعضای هیئت نظارت یک شرکت ثبت شده در بورس براتیسلاوا می‌بایست بتوانند مدت ۲۰ روز در سال را به وظایف خود اختصاص دهند. طبعاً اعضای هیئت‌های اجرایی می‌بایست بتوانند زمان بیشتری را به شرکت اختصاص دهند زیرا آنها مسئول راهبرد و عملیات هستند.

۱-۱۰ هیئت اجرایی وظیفه دارد اطلاعات مناسب را به موقع در اختیار هیئت نظارت بگذارد و به همه پرسش‌ها و تقاضاهای هیئت نظارت برای اطلاعات بیشتر پاسخ دهد.

چنانچه بنا باشد هیئت نظارت به نحو شایسته نظارت کند، باید به اطلاعات مربوطه و نیز به کارکنان و مشاوران دسترسی داشته باشد. این مسئله به ویژه آنجا اهمیت پیدا می‌کند که هیئت مزبور مسئول کمیته حسابرسی باشد. توضیحات بالا در رابطه با تعداد پست‌های هیئت در اینجا نیز صدق می‌کند.

۱-۱۱ اعضای هیئت نظارت می‌بایست در مجمع عمومی سهامداران برای مدت معینی تعیین شوند و ابقای آنها بدون انتخاب مجدد ممکن نیست. اعضای هیئت اجرایی نیز باید در مجمع عمومی سهامداران انتخاب شوند، اما مصوبات شرکت می‌تواند روش دیگری پیشنهاد کند و اعضای هیئت اجرایی را هیئت نظارت انتخاب کند که در این صورت هیئت نظارت مسئول چنین گزینشی است. بعد از انتخاب نخست اعضای هیئت اجرایی، این اعضا می‌بایست در فواصل زمانی معینی که نباید بیش از ۵ سال مجدداً انتخاب شوند. اسامی اعضای هیئت نظارت و اجرائی هنگام انتخاب یا انتخاب مجدد باید با زندگی‌نامه آنها با تمام جزئیات همراه باشد.

از آنجایی که اعضای هیئت می‌بایست جوابگوی تمامی سهامداران باشند، بایسته است که انتصاب آنها فراتر از یک تشریفات ساده باشد. جایی که اعضای هیئت اجرایی توسط هیئت نظارت منصوب می‌شوند، هیئت نظارت به خاطر این انتصاب دارای مسئولیت بزرگ‌تری بوده، و پاسخگو محسوب می‌شود.

این نکته حائز اهمیت است که هیئت اجرایی مشتمل بر افرادی با مهارت‌های مکمل یکدیگر باشد و نه صرفاً در عوض پاداش به خاطر خدمت طولانی‌مدت. به این ترتیب می‌بایست سهامداران را از ویژگی‌های تمام اعضای پیشنهادی برای هیئت مطلع کرد تا از نیل به این توازن اطمینان حاصل شود. استفاده از کمیته انتصاب رویه خوبی است (به اصل ۱۰-۵ مراجعه شود).

بسیار مهم است که سهامداران بتوانند هر عضو هیئتی را به واسطه عملکرد نامناسب یا سوءاستفاده از مقامشان، تعویض کنند. قراردادهایی که متضمن دوران تصدی هر عضو هیئت هستند به طور کلی همچون مانعی برای جایگزینی آنها عمل می‌کنند و نمی‌بایست بهترین رویه تلقی شوند.

۱-۱۲ سهامداران بالاخص باید برای تصویب همه طرح‌های تازه درازمدت (از آن جمله خرید و فروش سهام) برای تشکیل مجمع عمومی دعوت شوند، خواه این خرید و فروش‌ها به صورت نقد باشد یا به صورت سهام، اعضای هیئت نظارت یا اجرایی و مدیران ارشد اجرایی باید در این جلسات شرکت کنند، که این خود بالقوه می‌تواند ارزش سرمایه سهامداران را بیش از یک سال حفظ کرده یا ارزش آن را تضعیف کند.

گزارش سالانه شرکت می‌بایست دربردارنده صورت وضعیتی از خط مشی دستمزد بوده و اطلاعاتی پیرامون دستمزد اعضای هیئت و تمامی مشوق‌های مالی ارائه شده دیگر منتشر کند. اغلب اظهار می‌شود که این کار می‌بایست محدود به دستمزد باشد، اما سایر مشوق‌های مالی، نظیر حق خرید و فروش سهام، پاداش، طرح حقوق بازنشستگی و غرامت خاتمه خدمت همگی می‌توانند بر عملکرد عضو هیئت تأثیر داشته باشند و از این رو شرکت و سهامداران می‌بایست مطلع شوند. کاربری کمیته دستمزد در اصل ۱۰-۵ مورد بحث قرار گرفته است.

۱-۱۳ هم هیئت اجرایی و هم هیئت نظارت می‌بایست بتوانند قضاوت عینی خود را در مورد امور شرکت اعمال کنند؛ و این داور باید به‌ویژه مستقل از مدیریت شرکت باشد.

موضوع تصمیم‌گیری مستقل قبلاً در بالا مورد بحث قرار گرفته است، اما این نکته حائز اهمیت می‌باشد که هیئت اجرایی و هیئت نظارت درک صحیحی از مسئولیت خود در قبال کل سهامداران، و نه تنها سهامدار اکثریت یا خود مدیریت، داشته باشند.

جایی که سهامدار اکثریت در انتصاب مدیر کل نقش مؤثری دارد، مهم است که این فرد جوابگوی سهامداران بوده و خودش می‌بایست عضوی از هیئت اجرایی باشد. این مسئله متضمن شفافیت بیشتر در روند تصمیم‌گیری خواهد بود.

۱-۱۴ چارچوب نظارت مشترک می‌بایست ضامن راهبرد استراتژیک شرکت باشد، متضمن کنترل مؤثر مدیریت شرکت از سوی هیئت اجرایی باشد، و متضمن پاسخگویی آن به هیئت نظارت، به شرکت و به سهامداران باشد.

هیئت عامل علاوه بر راهبرد استراتژی شرکت، بیشتر مسئول کنترل عملکرد مدیریت و نیل به بازدهی کافی برای سهامداران است، در جایی که از تضاد منافع پیشگیری کرده و فشار

تعارض آمیز بر شرکت را متوازن می‌کند. هیئت نظارت مسئول نظرات مؤثر بر فعالیت‌های هیئت اجرایی بوده و به خاطر این نظارت جوابگوی تمامی سهامداران است. این مسئله در جایی از اهمیت ویژه برخوردار می‌شود که سهامدار کنترل‌کننده‌ای وجود داشته باشد. به منظور آنکه هیئت‌های اجرایی و نظارت مسئولیت‌های خویش را به نحو کارآمدی دهند، باید تا حدی مستقل از سهامدار کنترل‌کننده و مدیران شرکت باشند.

دیگر مسئولیت مهم هیئت اجرای سیستم‌های طراحی شده به منظور حصول اطمینان از پیروی شرکت از قوانین مربوط، شامل قوانین مالیات، رقابت، کار، محیط زیست، فرصت برابر، بهداشت و ایمنی است. علاوه بر این، از هیئت‌های اجرائی و نظارت توقع می‌رود که نسبت به منافع سایر سهامداران، از جمله منافع کارکنان، بستانکاران، مشتریان، عرضه‌کنندگان کالا و جوامع محلی توجه کافی مبذول داشته و منصفانه رفتار کنند. این مسئله جایی به‌ویژه حائز اهمیت است که شرکت در ناحیه‌ای به عنوان یک شرکت مادر محسوب شده و سازندگان و عرضه‌کنندگان کوچک‌تر را به منظور استقرار در همان نزدیکی جذب کرده است.

شناساندن وظیفه یک حسابرس داخلی را می‌بایست بهترین رویه دانست، همان‌گونه که البته پیروی یک شرکت از این نظامنامه و تأیید این پیروی توسط حسابرسان بیرونی هم باید بهترین رویه تلقی شود.

۱۵-۱ اعضای هیئت می‌بایست وقت کافی صرف مسئولیت‌های خود کنند و هر ساله باید حداقل در ۷۵٪ جلسه‌هایی که به پست آنها مربوط می‌شود، شرکت کنند.

همان‌گونه که قبلاً ذکر شده است، خدمت در چندین هیئت می‌تواند بر عملکرد اعضای هیئت تأثیرگذار باشد و شرکت می‌بایست هنگام در نظرگیری یک عضو بالقوه آتی هیئت این جنبه را مورد توجه قرار دهد. فاش‌سازی کامل تمام پست‌های هیئت می‌بایست در شرح حال عضو مورد نظر هنگام ارائه به مجمع عمومی، انجام پذیرد.

در حالی که نظری وجود داشته است مبنی بر اینکه نظامنامه می‌بایست حداکثر تعداد پست‌های هیئت را توصیه کند، این رویکرد بسیار تجویزی تلقی شده و از آنچه که باید تصمیم سهامداران باشد، تخطی می‌کند. بدیهی است که اگر عضوی در چندین هیئت شرکت کند این امر موجب محدودیت مقدار زمانی می‌شود که وی می‌تواند به هر یک از آنها تخصیص دهد و این مسئله به نوبه خود هرگونه دفاعی را که او می‌تواند در مقابل اتهامات قصور در انجام وظایفش مطابق با نظامنامه تجاری داشته باشد، تضعیف می‌کند.

بدین ترتیب اعضای هیئت می‌بایست درک کنند که به نفع خود آنها است که چندین پست هیئت را نپذیرند.

سهامداران از حق مالکیت برخوردارند به طوری که سهام آنها را می‌توان خرید، فروخت، یا منتقل کرد. به علاوه، آنها حق مشارکت در منافع شرکت را، با مسئولیتی محدود به میزان سرمایه‌گذاری، دارند. این حقوق، به‌ویژه برای مشارکت در منافع و فروش سهام‌شان، ایجادکننده مبانی ارزش سهامداری است.

تمامی سهامداران آرزو دارند که شاهد افزایش ارزش سهام خود و سوددهی مناسب آن باشند؛ اما سهامداران باید درک کنند که آنها در تضمین مدیریت مطلوب شرکت همان‌گونه که قبلاً شرح داده شد و بالابردن ارزش سهامداری، نقش دارند. به این منظور سهامداران باید حق آگاهی در مورد شرکت و حق نفوذ در شرکت را، اساساً با حضور در جلسات مجمع عمومی سهامداران و با رأی‌دادن، داشته باشند.

بنابراین لازم است شرکت تضمین کند که هر سهامدار از حقوق زیر برخوردار است:

۱-۲ حق روش مطمئنی برای ثبت مالکیت

قانون اوراق بهادار به این شرط اساسی توجه دارد که ثبت سهام به نحو شایسته و مطمئن توسط صندوق سپرده مرکزی انجام شود.

۲-۲ حق نقل و انتقال به موقع و سریع سهام و بدون اعتراض غیر منطقی یا مانع‌تراشی از سوی شرکت.

بایسته است که شرکت نتواند بی‌دلیل از ثبت مالکیت سهام خودداری کند، زیرا هرگونه امتناع بی‌دلیل از حقوق مالکیت سهامدار می‌کاهد. یک نمونه از موارد منطقی بودن ابراز نارضایتی شرکت این است که سهامداری خواستار انتقال سهام خود به شخصی باشد که معروف به دست‌داشتن در کار قاچاق مواد مخدر یا انتقال درآمد نامشروع به کسب‌های خوشنام است.

۲-۳ حق به دست آوردن منظم و به موقع اطلاعات مناسب درباره شرکت (از آن جمله گزارش‌های سالانه و نیمه‌سالانه و همه اطلاعاتی که احتمال دارد از لحاظ مالی بر قیمت سهام تأثیر بگذارد)، درباره فعالیت‌ها و مدیریت شرکت.

به منظور آگاه بودن در مورد سرمایه‌گذاری خود، سهامدار باید به نحو احسن در جریان گذاشته شود. شالوده معمول اطلاع‌رسانی گزارش‌های سالانه و نیمه‌سالانه است که قانون شرکت را ملزم به تنظیم آنها می‌کند، اما بایسته است که هرگونه تغییرات در شرکت یا کسب و کار آن که ممکن است تأثیر چشمگیری بر ارزش سهام داشته باشد، نظیر ایجاد یک محصول اصلی جدید یا اقامه دعوی ورشکستگی، به اطلاع سهامداران رسانده شود.

وظیفه اطلاع‌رسانی به طور کلی با انتشار گزارش‌های سالانه و فاش‌سازی برای مسئول کنترل ادا می‌شود، اما شرکت‌ها می‌بایست تصدیق کنند که بهترین رویه ارتباط منظم و مستقیم با سرمایه‌گذاران مؤسس آنها است به نحوی که از وضع شرکت و سرمایه‌گذاری‌هایشان به خوبی مطلع شوند. اگر شرکتی سرمایه‌گذاران بزرگ‌تر خود را در جریان نگذارد، آنگاه سرمایه‌گذاران اعتماد کمتری به هیئت اجرایی خواهند داشت و چنانچه مشکلی بروز کند مایل به حمایت از آن نخواهند بود.

۲-۴ حق کسب اطلاعات کافی و به موقع مربوط به:

- (I) تاریخ، مکان و دستور جلسه مجمع عمومی؛
- (II) اطلاعات کامل و به موقع درباره مسائلی که قرار است در مجمع عمومی تصویب شوند تا سهامدار بتواند در جلسه شرکت کند چه شخصاً و چه به وکالت؛
- (III) مقررات شرکت، از آن جمله روال رأی‌گیری که در جلسات مجمع عمومی سهامداران رعایت می‌شود؛
- (IV) ترتیب رأی‌گیری در همه جلسات مجمع عمومی سهامداران.
در جمهوری اسلوواکی جلسات مجمع عمومی باید در ساعات معمولی کار و در روزهای کار تشکیل شده و از نظر مکان باید در محلی مناسب و با دسترسی آسان و در ساعاتی از روز تشکیل شوند که سهامداران را با هزینه غیر منطقی یا مشکلی برای حضور روبه‌رو نکند.

لازم است سهامدار فرصت حضور در تمام جلسات مجمع سهامداران را داشته باشد زیرا از این طریق است که وی قادر به مشارکت در برخی تصمیم‌گیری‌های کلیدی شرکت بوده و

می‌تواند هیئت‌ها را ملزم به پاسخگویی در قبال اقدامات‌شان کند. مفاد نظامنامه تجاری را باید حداقل استانداردهای مورد نیاز تمامی شرکت‌ها تلقی کرد.

۲- حق پرسش از هیئت‌ها و حق افزودن بندهای تازه در دستور جلسه مجمع عمومی، که در حد منطقی محدودیت‌هایی برای آنها قائل می‌شوند.

از آنجایی که سهامداران می‌بایست قادر به فراخوانی هیئت‌ها جهت پاسخگویی در مورد عملکرد شرکت باشند، واجب است که از فرصت مناسب برای پرسش از هیئت‌ها و افزودن بندهایی در دستور جلسه مجمع برخوردار شوند. شرکت‌ها می‌بایست در مورد هر مصوبه‌ای، پس از در نظر گرفتن زمان کافی برای پرسش‌ها و گفتمان، رأی‌گیری جداگانه به عمل آورند. تمامی اعضای هیئت مربوطه دربرگیرنده اسرارکاری می‌باشد، پذیرفتنی نیست.

۲-۶ حق انتخاب اعضای هیئت‌ها

هیئت‌ها، منوط به استفاده از کمیته‌های انتصاب و دستمزد و مواد پیش‌بینی‌شده قوانین می‌بایست توسط مجمع عمومی انتخاب شوند که آنگاه می‌تواند اعضا را برای پاسخگویی فراخواند. به این ترتیب تمامی سهامدارانی که تصمیم به اعمال حقوق خود گرفتند می‌بایست قادر به مشارکت در چنین انتخاباتی باشند. این مسئله به‌ویژه در مورد اعضای مستقلی که اختیار آنها برخاسته از انتخابشان توسط سهامداران اقلیت است، بسیار مهم است. طبق تمامی مصوبه‌های مربوط به انتصاب اعضای هیئت نظارت و اجرایی، به هر عضو می‌بایست جداگانه رأی داده شود.

۲-۷ حق سهام‌شدن در منافع شرکت؛ اعضای هیئت‌ها می‌بایست از به عمل آوردن هرگونه اقدام یا طرح هرگونه پیشنهادی که سبب کاهش، پنهان‌سازی یا مانع توزیع عادلانه سود شرکت به نحو منصفانه و متساوی میان سهامداران، از جمله سهامداران اقلیت شود، خودداری کنند.

از آنجایی که سهامداران صاحب سهام هم‌طبقه از حقوق مساوی برخوردارند، واجب است که اعضای هیئت به روشی شفاف و عادلانه با آنها رفتار کرده و از هیچ‌گونه ترفندی برای پنهان‌سازی وضعیت مالی شرکت و در نتیجه توانایی پرداخت سود سهام، استفاده نکنند. بنابراین، حضور حسابرسان مستقل بیرونی در مجمع عمومی دارای اهمیت است و جایی که کمیته حسابرسی تعیین می‌شود، اعضای آن کمیته نیز باید حضور داشته و به تمامی پرسش‌های مطروحه از سوی سهامداران پاسخ دهند.

۸-۲ حق طرح پیشنهادی پرسش و گرفتن پاسخ از مدیریت و اعضای هیئت‌ها. اعضای هیئت اجرایی و هیئت نظارت نباید دستور جلسه را به شکلی تنظیم کنند که مانع بحث کافی و مستند در جلسه شود و باید به پرسش‌های سهامداران به شکلی مستند و مناسب پاسخ دهند.

برای این منظور که سهامداران قادر باشند اعضای هیئت را ملزم به پاسخگویی کنند، لازم است که بتوانند عملکرد آنها را مورد پرسش قرار دهند. چنین استنتاج می‌شود که رویه‌های شک‌برانگیزی وجود داشته که توسط بعضی شرکت‌ها برای کاستن از بیم پرسش‌های ناخوشایند به کار رفته است و شرکت‌های معتبر باید این رویه را ناپسند بدانند.

۹-۲ وقتی سهامداران می‌خواهند تصمیم‌های پیشنهادی‌شان در دستور جلسه بیاید، حق دارند خواستار حمایت کسانی شوند که دارای تعداد معینی سهام هستند و مطمئن شوند این تصمیم‌های پیشنهادی سهامداران به شکل مناسبی مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد.

نظامنامه تجاری این جنبه را مورد توجه قرار می‌دهد و از این رو می‌بایست هم متن و هم منظور واقعی قانون رعایت شود. رویه‌های مناسب نظارت بر شرکت مستلزم آن است که سهامداران مجاز به مطرح کردن تصمیم‌های خود و به گفتگو پرداختن با شرکت باشند. در حالی که سرمایه‌گذاران مؤسس از فرصت بیشتری برای گفتگوی مداوم با هیئت برخوردارند، سهامداران کوچک تنها فرصت چنین گفتگویی را در مجمع عمومی دارند و حائز اهمیت است که با آنها روراست و منصفانه رفتار شود زیرا این کار موجب اعتماد به مدیریت و سرپرستی شرکت شده و تأثیر آن نهایتاً در ارزش سهام نمایان می‌شود.

۱۰-۲ حق رأی‌دادن چه خود شخص و چه به وکالت او؛ شخص خود مستقیماً رأی دهد و چه کسی به وکالت او رأی بدهد، رأی باید ارزش مساوی داشته باشد.

شرکت‌ها می‌بایست به منظور جلب سرمایه‌گذاران خارجی در اوراق بهادار هرگونه تلاشی را برای امکان مشارکت سهامداران از طریق وسایلی که موجب کاربرد فن‌آوری مدرن است، به عمل آورند. شرکت مؤثر سهامداران در جلسات مجمع عمومی را می‌توان با توسعه وسایل ارتباطی الکترونیکی مطمئن و امکان ارتباط سهامداران با یکدیگر بدون اجبار به رعایت تشریفات درخواست وکالت، رونق بخشید. تا ترویج قانون جدید در مورد امضای الکترونیکی

و اصلاحات لازم در نظامنامه تجاری، در صورت موافقت تمامی سهامداران با دادن رأی توسط وسایل الکترونیکی، این شیوه رأی گیری می بایستی مجاز شود. به لحاظ شفاف سازی روال کار، مجمع می بایست متضمن شمارش و ثبت صحیح آرا و نیز اعلام به موقع نتیجه باشد.

۱۱-۲ حق شرکت کردن و کسب اطلاعات کافی در مورد تصمیم گیری های زیر:

- اصلاح مصوبه ها
- اجاه انتشار سهام اضافی؛ و
- نقل و انتقالات فوق العاده که عملاً منجر به فروش شرکت می شود.

از آنجایی که تمامی تصمیمات فوق قابلیت تأثیر گذاری بر حقوق سهامداران را دارند، لازم است که تمامی سهامداران بتوانند در چنین تصمیم گیری هایی مشارکت کنند. این نکته حائز اهمیت است که شرکت سهامداران را به موقع از پیشنهادهای مطروحه در مجمع عمومی مطلع کند تا آنها نسبت به تمایل یا عدم تمایل خود به مشارکت تصمیم بگیرند.

۱۲-۲ فرایند و روال کار جلسات مجمع عمومی سهامداران می بایست به نحوی باشد که با همه سهامداران منصفانه و شایسته برخورد شود. روال کار شرکت نباید به نحوی باشد که رأی دادن بیش از حد و بی جهت پرهزینه و دشوار شود.

مجمع عمومی عادی ترین محکمه برای سهامداران است تا مدیریت شرکت را، که هیئت های اجرایی و نظارت به عنوان نمایندگان آن هستند، ملزم به پاسخگویی در قبال عملکردشان کنند. بنابراین بایسته است که مدیریت و سرمایه گذاران کنترل کننده در صدد بازداري سرمایه گذاران غیر کنترل کننده یا خارجی از تلاش برای نفوذ در سرپرستی شرکت نباشند و می بایست به تمامی مسائل مورد علاقه مطروحه از سوی سهامداران گوش فرا داده و به آنها پاسخ دهند. شرکت ها نباید برای رأی دادن طلب اجرت کنند. سایر موانع از جمله ممنوعیت های مربوط به رأی دادن وکالتی و الزام حضور شخصی در جلسات مجمع عمومی سهامداران برای رأی دادن نیز نباید مجاز باشد.

به علاوه، سایر رویه هایی که اعمال حقوق مالکیت را عملاً ناممکن می کند، نمی بایست اتخاذ شود. سهامداران یا وکلای آنها می بایست مجاز به ورود آسان به مجمع باشند. مدارک مربوط به وکالت می بایست حداقل ۳۰ روز پیش از برگزاری مجمع ارسال شود، مگر آنکه نظامنامه تجاری اجازه دیگری داده باشد، و باید زمان کافی برای جلسات مجمع عمومی سهامداران اختصاص دهد تا سرمایه گذاران فرصت مقتضی برای تأمل و مشورت داشته باشند.

سهامداران موظفند همه ترکیب سرمایه و همه قراردادهایی را به اطلاع شرکت برسانند که سبب می‌شود کنترل برخی از سهامداران بر شرکت به حدی رسد که در مقایسه با ارزش مالکیت آنها نامتناسب است. شرکت موظف است همه این گونه ترکیب‌های سرمایه و قراردادها را برملا کند.

برخی از ترکیب‌های سرمایه به سهامداران امکان می‌دهد به حدی از کنترل بر شرکت برسند که با ارزش مالکیت آنها نامتناسب است.

به منظور افزایش اعتماد بین سرمایه‌گذاران و شرکت‌هایی که در آنها سرمایه‌گذاری می‌کنند، لازم است که سرمایه‌گذاران دقیقاً بدانند سهام آنها در زمان خرید چه حقوقی را دربر دارد. چنانچه ساختار شرکت طوری باشد که یک سهامدار امکان کنترل بر شرکت را داشته باشد، گرچه این مسئله مستقیماً آشکار نباشد، چنین قراردادهایی باید برای تمامی سرمایه‌گذاران شفاف باشد.

موارد بسیاری از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از طریق خصوصی‌سازی‌ها یا مشارکت‌های خاص وجود خواهد داشت که در آن توافق‌نامه‌های سهامداران امکان کنترل در حد بالا را از طریق تمهیدات گوناگونی نظیر قراردادهای مدیریت، به سهامدار خارجی می‌دهد. این موارد شاید به خودی خود متناقض با نظارت شایسته بر شرکت نباشد، اما باید برای تمامی سهامداران فاش شود.

تمامی موارد زیر می‌بایست برای سهامداران فاش شود:

- ساختارهای هرمی و سهامداری‌های متقابل دو یا چند شرکت، که می‌توان از آنها برای کاهش قابلیت نفوذ سهامداران غیرکنترل‌کننده بر خط مشی شرکت استفاده کرد.
- توافق‌نامه‌های سهامداران در مورد گروه‌های سهامداران، که هر یک ممکن است صاحب سهام نسبتاً اندکی از کل ارزش دارایی باشند، برای اقدام هماهنگ به منظور تشکیل یک اکثریت کارآمد، یا حداقل بزرگ‌ترین بلوک واحد سهامداران. این مورد اغلب مربوط به آن شرکت‌هایی است که با فروش سهام به مدیریت قبلی یا تأسیس یا خصوصی شدند. توافق‌نامه‌های سهامداران معمولاً برای آنهایی که در این توافق‌نامه‌ها مشارکت دارند، حق تقدم جهت خرید سهام قائل است، و این در صورتی است که سایر طرف‌های توافق‌نامه مایل به فروش سهام باشند. این توافق‌نامه‌ها می‌توانند همچنین حاوی مواد پیش‌بینی شده‌ای باشند که از موافقان با آن بخواهند که سهام خود را برای

مدت معینی نغروشنند. توافق نامه‌های سهامداران می‌تواند دربرگیرنده موضوعاتی نظیر چگونگی انتخاب هیئت نظارت یا اجرایی یا رییس هیئت باشد. این توافق نامه‌ها می‌توانند همچنین طرفین آن را ملزم کنند که به عنوان یک بلوک رأی دهند. مسئولان اخذ رأی تعداد آرای را که هر سهامدار می‌تواند بدهد، صرف‌نظر از تعداد سهامی که سهامدار عملاً دارا می‌باشد، محدود می‌کنند. بنابراین مسئولان اخذ رأی عمل کنترل مجدد را انجام داده و می‌توانند بر انگیزه حضور سهامدار در جلسات سهامداران تأثیر گذارند.

لازم است شرکت شیوه مطمئنی را انتخاب کند تا با همه سهامداران و از آن جمله سهامداران گروه‌های اقلیت و خارجی برخورد شایسته شود.

چنانچه شرکت‌ها در صدد ایجاد سرمایه اضافی از طریق بازارهای سرمایه و تشویق سرمایه‌گذاران مؤسس به سرمایه‌گذاری هستند، این اصل از اهمیت بسیاری برخوردار است. در حال حاضر چنین برداشتی می‌شود که جمهوری اسلوواکی از سهامداران گروه اقلیت سوءاستفاده می‌کند و به این دلیل است که در آن کشور سرمایه‌گذاری بین‌المللی در اوراق بهادار رونق چندانی ندارد. تمامی سرمایه‌گذاران بزرگ مؤسس مقررات و دستورالعمل‌های خود را رعایت می‌کنند و از این‌رو نمی‌توانند در سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز شرکت کنند. بنابراین تا زمانی که جمهوری اسلوواکی بینش سرمایه‌گذار نسبت به خود را بهبود نبخشد، سرمایه‌گذارانی نظیر CALPERS در آن کشور سرمایه‌گذاری نخواهند کرد. زمانی که این قبیل سرمایه‌گذاران اقدام به سرمایه‌گذاری کنند، بینش بین‌المللی بهبود خواهد یافت و بازار نقدینه‌تر خواهد شد. لازم است آن شرکت‌هایی که در پی چنین سرمایه‌گذارانی هستند، درک خود را از اصول بنیادی رویه‌های نظارت شایسته بر شرکت، به اثبات رسانده و از منظور واقعی قانون و متن آن و این نظامنامه پیروی کنند.

۱-۶ رفتاری که با سهامداران هم‌طبقه می‌شود باید یکسان باشد. در هر طبقه، همه سهامداران باید در رأی دادن دارای حق مساوی باشند. همه سرمایه‌گذاران باید قبل از خرید سهام بتوانند اطلاعات لازم در مورد حق رأی

را که به هر طبقه از سهام مربوط می‌شود، به دست آورند. هرگونه تغییری در حق رأی دادن باید منوط به رأی سهامداران باشد.

نظامنامه تجاری تأکید می‌کند که برای سهام هم طبقه باید حقوق یکسان قائل شد، اما هرگونه پیشنهادی برای تغییر حقوق سهام می‌بایست منوط به رأی مجمع عمومی باشد و بدین ترتیب اصل ۱۱-۲ مطرح می‌شود. هیئت‌های اجرایی و نظارت باید بهترین تصمیم را در مورد ترکیب بهینه سرمایه شرکت اتخاذ کنند، اما این کار می‌بایست منوط به تصویب سهامداران باشد.

شرکت‌ها می‌توانند سهام ممتاز منتشر کنند که از لحاظ دریافت سود سهام شرکت دارای ارجحیت است، اما این سهام به طور عادی دارای هیچ‌گونه حق رأی دادن نیست، مگر آنکه سود سهام ممتاز اعلام و پرداخت شود. این سازوکار می‌تواند مورد سوءاستفاده قرار گیرد، زیرا شرکت‌ها بعید است که برای هرکس دیگری، به جز سهامداران اکثریت، سهام ممتاز منتشر کنند، که دلیل آن بیم از دست دادن کنترل در صورت ناتوانی شرکت در اعلام و پرداخت سود سهام ممتاز است.

ضرورت دارد که سرمایه‌گذاران پیش از سرمایه‌گذاری اطمینان یابند که در مورد حق رأی خود از اطلاعات کامل برخوردار هستند. زمانی که آنها سرمایه‌گذاری کرده‌اند، حق رأی دادن‌شان نباید تغییر کند، مگر آنکه صاحبان سهام دارای حق رأی فرصت مشارکت در تصمیم‌گیری داشته باشند. پیشنهادهای تغییر حق رأی طبقات مختلف سهام می‌بایست توسط اکثریتی که کمتر از ۷۵٪ کل سهام دارای حق رأی در رده‌های ظاهری نباشد، جهت تصویب در جلسات مجمع عمومی ارائه شده و چنین تصمیمی باید با یادداشت مهر و امضا شده‌ای از صورت جلسه مجمع ثبت شود.

۲-۴-۲-۸-۱ *امنا یا صاحبان اسمی باید به صورتی که موافقت شده و به سود صاحبان سهام است، رأی دهند.*

امنایی نظیر بانک‌ها و بنگاه‌های کارگزاری نگهدارنده اوراق بهادار به عنوان منصوبان از جانب مشتریان، گاهی اوقات ملزم به رأی دادن به طرفداری از مدیریت هستند مگر آنکه سهامدار مشخصاً از آنها بخواهد که به نحو دیگری عمل کنند. سهامداران ممکن است ترجیح دهند که همه حق رأی خود را به امنا بسپارند، و یا اینکه ممکن است مایل باشند از تمامی آرای که سهامداران خواهند داد مطلع شده و تصمیم به رأی دادن بگیرند، در حالی که برخی حقوق رأی دادن را به امنا بسپارند. باید بهترین رویه را این دانست که امنا بتوانند به منظور نشان دادن خواسته مشتریان خود، رأی آنها را تقسیم کنند.

امنا می‌بایست برای سهامداران فاش سازند که مؤسسه امین به روش خاصی که با نفع سهامدار همساز باشد، به سهام رأی خواهد داد، و این در صورتی است که سهامداران از آنها روش دیگری را نخواستند باشند.

۳-ع خرید و فروش محرمانه اوراق بهادار و خود معامله‌گری سوءاستفاده‌آمیز باید ممنوع باشد.

در حالی که خرید و فروش محرمانه اوراق بهادار و معامله سوءاستفاده‌آمیز به طور کلی ممنوع است، اما تجربه در بسیاری از کشورها ایجاب می‌کند که سهامداران از این لحاظ هوشیار باشند. آنها می‌بایست هیئت اجرایی را زیر سؤال برده و هیئت را ملزم به پاسخ‌گویی کنند. شرکت‌ها برای کمک به کاهش احتمال معامله محرمانه می‌توانند با ارائه فهرستی از آن دسته اعضای شرکت که ممکن است محرمان بورس براتیسلاوا به‌شمار آیند، کار زیادی انجام دهند. وجود این فهرست و شمول نام فردی در آن، اغلب به عنوان مشخصه‌ای برای معامله محرمانه عمل می‌کند. باید به خاطر داشت که محرمان شامل مدیران اجرایی کلیدی می‌شوند که در ایجاد و به ثبت رساندن محصولات جدید و مهم نقش دارند. از آنجایی که معامله محرمانه اوراق بهادار مسبب سوءاستفاده از بازارهای سرمایه است، این کار خودبه‌خود به موجب قانون ممنوع است. شاید در حال حاضر در جمهوری اسلواکی خود معامله‌گری سوءاستفاده‌آمیز هم رایج باشد که این مسئله زمانی روی می‌دهد که اشخاص دارای روابط نزدیک، از آن روابط به زیان شرکت و سرمایه‌گذاران بهره‌گیری می‌کنند. قراردادهای فروش دارایی‌ها یا محصولات شرکت به مدیریت، مدیران اجرایی کلیدی، اعضای هیئت‌ها یا سهامداران یا اشخاص مرتبط با آنها، همگی باید دور از روابط تقبل شوند. چنین قراردادهایی را می‌بایست قبل از تکمیل، همراه با ارتباط آنها به تأیید مجمع عمومی شرکت رسانیده می‌شود، تشریح کرد.

۴-ع اعضای هیئت‌مدیره و مدیران می‌بایست ملزم به افشای هرگونه منافع مربوط در معاملات یا موضوعات تأثیرگذار بر شرکت بوده و باید از مشارکت در هرگونه رأی‌گیری پیرامون این نوع معاملات خودداری کنند.

این مورد به شرایطی اطلاق می‌شود که اعضای هیئت‌مدیره و همه مدیران دارای رابطه کاری، خانوادگی یا هر رابطه خاص دیگری با شرکت هستند و این رابطه می‌تواند بر قضاوت آنها به معامله تأثیر گذارد. آنها باید این گونه منافع مربوط را فاش سازند و نمی‌بایست در مورد هرگونه تصمیم مرتبط رأی دهند. تفسیرات پیرامون اصل یکم به این اصل نیز ارتباط دارد.

۵-۴ در همه حال شرکت‌ها باید با سهامداران شرافتمندانه رفتار کنند و رابطه خوبی با آنان برقرار سازند که شامل موارد زیر می‌شود:

- شرکت‌ها باید همه آرای وکالتی را در جلسات مجمع عمومی بشمارند و سپس شمارش آرا در مورد هر تصمیمی را بعد از رسیدگی با بلند کردن دست اعلام کرده و آن تصمیم را که باید قابل بررسی از سوی سهامداران باشد، ثبت کنند.
 - شرکت‌ها باید در مجمع عمومی تصمیم جداگانه‌ای را برای هر موضوع اساساً مجزا به رأی بگذارند و برای بحث پیرامون هر چنین تصمیمی زمان معقولی را اختصاص دهند. شرکت‌ها باید در مجمع عمومی در ارتباط با گزارش‌ها تصمیم جداگانه‌ای را به رأی بگذارند.
 - رییس هیئت نظارت باید ترتیبی اتخاذ کند تا رؤسای کمیته‌های حسابرسی، دستمزد و انتصاب در مجمع عمومی، که در این موارد تصمیم‌گیری می‌شود، حضور داشته و به پرسش‌ها پاسخ دهند.
 - شرکت‌ها باید ترتیبی دهند که آگهی تشکیل مجمع عمومی و اوراق مربوط دست کم ۳۰ روز پیش از تشکیل مجمع برای سهامداران ارسال شود.
- فهرست بالا را باید توضیحی دانست نه گزارش خاص. هدف این است که به سهامداران اطمینان داده شود که اطلاعات صحیح در اختیار آنها گذاشته می‌شود و فرصت پرسش از کسانی را دارند که مسئول اداره شرکتی هستند که در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند. بدین ترتیب حائز اهمیت است که سهامداران بتوانند از کمیته‌های گوناگون در مورد تصمیمات‌شان سؤال کنند، مثلاً تصمیم به اعطای افزایش حقوق کلان برای اعضای منفرد هیئت یا مدیران اجرایی کلیدی.

-

شرکت‌ها می‌بایست به ارزیابی مهارت‌های لازم برای گسترش مناسبات سودمند با سرمایه‌گذاران تشویق شوند. مجمع عمومی فرصتی را در سال برای شرکت‌ها فراهم می‌کند تا فعالیت‌ها، پیشرفت و برنامه‌های شرکت را به اطلاع تک‌تک سرمایه‌گذاران برسانند و آنها را به ادامه مشارکت و حمایت از شرکت تشویق کنند.

شرکت باید تضمین کند که همه مسائل مهم شرکت به موقع و به دقت فاش شود، از آن جمله وضع مالی، عملکرد، مالکیت، و نظارت شرکت، که به سهامداران امکان تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری یا عدم سرمایه‌گذاری را بدهد.

فاش‌سازی علنی معمولاً، حداقل هر شش ماه یک بار، و اغلب در صورتی که پیشرفت‌های مهم بر شرکت تأثیر گذارد، لازم می‌شود. این اطلاعات باید در قالبی باشد که امکان تصمیم‌گیری در مورد سرمایه‌گذاری یا عدم سرمایه‌گذاری را به سهامداران و سرمایه‌گذاران بالقوه بدهد. شرکت‌ها می‌بایست تشویق به فاش‌سازی داوطلبانه شوند که این مسئله در پاسخ به تقاضای بازار فراتر از حداقل الزامات فاش‌سازی است.

یک نظام فاش‌سازی مستحکم برای کنترل بازاری شرکت‌ها و برای قادر ساختن سهامداران به اعمال حق رأی‌شان اساسی است. این نظام همچنین می‌تواند به طور قابل ملاحظه‌ای بر رفتار شرکت‌ها تأثیر گذاشته و از سرمایه‌گذاران حمایت کند. علاوه بر این، می‌تواند به جذب سرمایه و حفظ اعتماد در بازارهای سرمایه کمک کند. سهامداران و سرمایه‌گذاران لازم است به اطلاعات منظم، موثق و قابل مقایسه که برای آنها با جزییات کافی باشد، دسترسی داشته باشند تا سرپرستی مدیران را ارزیابی کرده و تصمیمات آگاهانه‌ای در مورد ارزش‌گذاری، مالکیت و حق رأی سهام اتخاذ کنند. برعکس، اطلاعات ناکافی یا مبهم ممکن است مانع عملکرد بازارها و افزایش هزینه سرمایه شود و منجر به تخصیص ناپیچز منابع گردد.

به هر حال، این نکته حائز اهمیت است که الزامات فاش‌سازی بار اداری یا هزینه‌ای نامعقول بر دوش مؤسسات نگذارد. نباید انتظار داشت که شرکت‌ها اطلاعاتی را فاش سازند که ممکن است وضعیت رقابتی آنها را به خطر اندازد، مگر آنکه فاش‌سازی برای کاملاً آگاه کردن تصمیم سرمایه‌گذاری، و پرهیز از گمراه کردن سرمایه‌گذار، ضروری باشد. لازم است که این فاش‌سازی کاملاً محدود باشد و بدین ترتیب غالباً از آزمایش اقلام مهم استفاده می‌شود. اطلاعات مهم را می‌توان اطلاعاتی دانست که حذف یا اظهار نادرست آنها بر تصمیمات اقتصادی اتخاذشده توسط کاربران آن اطلاعات تأثیرگذار باشد. برای مثال یک شرکت داروسازی ملزم می‌شود تا فاش سازد که حق انحصاری گرفته و داروی جدیدی را

آزمایش کرده است، اما ملزم نمی‌شود که جزییات حق انحصاری را فاش کند. بدین ترتیب فاش‌سازی به‌موقع همه پیشرفت‌های مهمی که لابه‌لای گزارش‌های عادی بروز می‌کنند، همچون گزارش همزمان اطلاعات به همه سهامداران، به منظور تضمین رفتار منصفانه با آنها، ضروری تلقی می‌شود.

فاش‌سازی می‌بایست دربرگیرنده اطلاعات مهم پیرامون موارد زیر باشد، اما به اینها محدود نشود:

۱-۵ نتایج مالی و عملیاتی شرکت.

قانون اوراق بهادار، فاش‌سازی صورت‌های مالی حسابرسی شده را که نشان‌دهنده عملکرد مالی و وضع مالی شرکت هستند، لازم می‌داند. معمول‌ترین این صورت‌ها عبارت است از ترازنامه، صورت سود و زیان، صورت نقدینگی و یادداشت‌های مربوط به صورت‌های مالی. این صورت‌ها می‌بایست کنترل مناسب شرکت را ممکن ساخته و شالوده‌ای برای ارزش‌گذاری اوراق بهادار فراهم کند. این صورت‌ها می‌بایست با مذاکره مدیران و تجزیه و تحلیل عملیات همراه باشد، زیرا این کار روشنگر عملکرد آتی شرکت است. برای اطمینان از فاش‌سازی کامل وضعیت می‌بایست معاملات مربوط به کل یک گروه را فاش ساخت.

۲-۵ اهداف شرکت.

فاش‌سازی در این مورد علاوه بر هدف‌های کمی، گستره زمانی و هزینه آنها، می‌بایست سیاست‌های مربوط به اصول اخلاقی کار، محیط زیست و سایر تعهدات سیاست عمومی را دربرگیرد، سیاست‌هایی که سرمایه‌گذاران را قادر می‌سازد تا روابط میان شرکت‌ها و جوامعی که در آن فعالیت می‌کنند و اقداماتی که شرکت‌ها برای اجرای اهدافشان به عمل آورده‌اند، ارزیابی کنند.

۳-۵ مالکیت عمده سهام و حق رأی.

فاش‌سازی در این مورد می‌بایست افشای مداوم اطلاعات پیرامون ساختار مالکیت شرکت و حقوق سهامداران در مقابل حقوق سایر مالکان را شامل شود، همان‌گونه که در اصول قبلی اشاره شده بود. به هر حال، شرکت می‌بایست همچنین تمامی اطلاعات پیرامون سهامداران عمده و دیگرانی که شرکت را کنترل می‌کنند، یا ممکن است کنترل کنند، فاش سازد، از جمله اطلاعات پیرامون حق رأی ویژه، توافق‌نامه‌های سهامداران، دارندگی کنترل یا بلوک‌های بزرگ سهام، روابط مهم سهامداری متقابل و ضمانت‌های متقابل. شرکت‌ها می‌بایست اطلاعات پیرامون معاملات با اشخاص وابسته را نیز فاش سازند.

۴-۵ اعضای هیئت‌ها، مدیران اجرایی کلیدی و دستمزد آنها.

شرکت‌ها می‌بایست اطلاعات پیرامون تک‌تک اعضای هیئت‌ها و مدیران اجرایی کلیدی را فاش سازند تا سهامداران بتوانند تجربه و شایستگی‌های آنها را ارزیابی کرده و هرگونه تضاد بالقوه منافع را تشخیص دهند. فاش‌سازی این اطلاعات برای نیل به شفافیت حائز اهمیت است. از آنجایی که راهبرد و مدیریت شرکت بسیار مهم است، سهامداران به اطلاعاتی پیرامون شایستگی‌های اعضای هیئت‌ها نیاز دارند تا بتوانند به توانمندی‌های آنها اطمینان پیدا کرده و متقاعد شوند که شرکت از توازن تجربیات برخوردار است. سهامداران فقط با این اطلاعات می‌توانند اعضای هیئت‌ها را جهت پاسخگویی نسبت به عملکرد و تصمیم‌گیری‌هایشان به درستی فراخوانند. این توصیه موجب تقویت شرایط برای کمیته‌های انتصاب و دستمزد شده و تضمین شفافیت به واسطه فاش‌سازی این اطلاعات است.

۵-۵ عوامل مهم مخاطره قابل پیش‌بینی.

شرکت‌ها می‌بایست اطلاعات پیرامون مخاطرات مهم را که به طور منطقی قابل پیش‌بینی هستند، فاش سازند، که عبارتند از: مخاطراتی که مختص صنایع یا نواحی جغرافیایی است؛ وابستگی به کالاها؛ مخاطره بازار مالی شامل نرخ بهره یا مخاطره پول رایج؛ مخاطره مربوط به متفرعات و معاملات بدون انعکاس در ترازنامه؛ مخاطرات مربوط به مسئولیت‌های محیط زیستی؛ و خواه‌ناخواه به کارگرفتن شیوه‌هایی برای کنترل مخاطره از سوی شرکت‌ها نیز مفید است.

۴-۵ موضوعات مهم راجع به کارکنان و دیگر ذینفعان.

شرکت‌ها می‌بایست اطلاعات پیرامون موضوعات کلیدی مربوط به کارکنان و دیگر ذینفعان را که می‌تواند تأثیر مهمی بر عملکرد شرکت داشته باشد، فاش سازند. این موضوعات ممکن است شامل روابط مدیریت و کارکنان، و روابط با دیگر ذینفعان نظیر اعتبار دهندگان، عرضه‌کنندگان کالا و جوامع محلی باشد.

۷-۵ کانال‌های مخصوص انتشار اطلاعات باید دسترسی مطلوب، به‌موقع و

کم‌هزینه کاربران به اطلاعات مربوطه را فراهم کنند.

کانال‌های مخصوص عرضه اطلاعات می‌توانند از همان اهمیت مضمون خود اطلاعات برخوردار باشند.

۸-۵ ساختارها و خط‌مشی‌های نظارت.

شرکت‌ها باید تشویق شوند که در مورد چگونگی کاربرد عملی اصول مربوط به نظارت شرکت گزارش دهند. این گزارش می‌بایست شامل تقسیم اختیارات بین سهامداران و اعضای هیئت‌های اجرایی و نظارت بوده و باید مطابق با معیارهای مطلوب حسابداری، افشای مالی و غیرمالی، و حسابرسی باشد.

کیفیت اطلاعات به معیارهایی بستگی دارد که به موجب آنها گردآوری و فاش می‌شوند.

حسابرسی سالانه می‌بایست توسط یک حسابرس مستقل انجام شود، که از سوی کمیته حسابرسی منصوب می‌شود تا اطمینانی مشهود و عینی به طرز تهیه و ارائه گزارش‌های مربوط به نظارت و صورت‌های مالی حاصل گردد. شرحی از وضعیت نظارت شرکت‌ها می‌بایست به‌ویژه در گزارش سالانه گنجانده شود.

۹-۵ هیئت‌ها باید پاسخگوی سهامداران باشند و کنترل‌های داخلی مناسب و شیوه‌های حسابرسی لازم را فراهم سازند.

حسابرس می‌بایست به حد اعلا‌ی معیارهای بین‌المللی حسابداری نائل آمده باشد. موارد زیر باید مورد توجه قرار گیرد:

- اعضای هیئت اجرایی می‌بایست بعد از آنکه حسابرسان مسئولیت خود را مبنی بر ارائه گزارش بیان کردند، مسئولیت خویش را در قبال تهیه صورت‌حساب‌ها شرح دهند.
- هیئت اجرایی می‌بایست گزارش‌های علنی میان‌دوره‌ای و سایر گزارش‌های علنی مربوط به نوسانات قیمت و گزارش‌های مورد ارائه به تنظیم‌کنندگان اوراق بهادار، همچنین اطلاعات لازم برای ارائه به موجب الزامات قانونی را مورد توجه قرار دهد.

- هیئت اجرایی می‌بایست یک سیستم مطمئن کنترل داخلی برای حفاظت از سرمایه‌گذاری سهامداران و دارایی‌های شرکت برقرار کند.
- اعضای هیئت نظارت می‌بایست کارایی سیستم کنترل داخلی شرکت را بررسی کرده و به سهامداران گزارش دهند. این گزارش باید دربرگیرنده همه موارد کنترل از جمله کنترل‌های مالی، عملیاتی، و رعایت مقررات و نیز مدیریت خطر باشد.
- اعضای هیئت اجرایی می‌بایست با فرض‌ها یا شرط‌های تأییدکننده ضروری، موفقیت‌آمیز بودن کار شرکت را گزارش دهند.
- شرکت‌هایی که دارای نقش حسابرس داخلی نیستند، می‌بایست هرچند وقت یکبار نیاز به یک حسابرس داخلی را مورد بررسی قرار دهند.
- هیئت‌های اجرایی و نظارت می‌بایست برای بررسی چگونگی کاربرد اصول گزارش‌دهی مالی و کنترل داخلی و نیز برقراری یک رابطه مناسب با حسابرسان شرکت، ترتیبات رسمی و شفافی اتخاذ کنند.

۱-۵ بهترین رویه آن است که شرکت‌های ثبت شده در بورس براتیسلاوا کمیته‌هایی برای حسابرسی، انتصاب و دستمزد تشکیل دهند که مشتمل بر اکثریتی از اعضای مستقل به مدت پنج سال باشند.

این شرکت‌ها می‌بایست کمیته‌های حسابرسی، انتصاب و دستمزد تشکیل دهند که در ابتدا شامل حداقل سه عضو مستقل هیئت نظارت با شرایط ارجاع مکتوب هستند که آشکارا با اختیار و وظایف آن سروکار دارند. اعضای کمیته باید در گزارش و صورت‌حساب‌ها نام برده شوند و در ابتدا به هیئت نظارت گزارش دهند و برای دادن گزارش به سهامداران باید در مجمع عمومی حاضر شوند.

- وظایف کمیته حسابرسی می‌بایست شامل بررسی مداوم گستره و نتایج حسابرسی و کارایی هزینه آن و استقلال و بی‌طرفی حسابرسان باشد. چنانچه حسابرسان نیز حجم زیادی از خدمات غیرحسابرسی را به شرکت عرضه می‌کنند، کمیته مزبور می‌بایست ماهیت و گستردگی چنین خدماتی را به طور مداوم بررسی کرده، درصدد ایجاد توازن میان حفظ بی‌طرفی و ارزش پول باشد.
- کمیته دستمزد می‌بایست رویه‌ای رسمی و شفاف برای تدوین سیاست دستمزد مدیران اجرایی و برای تعیین مجموعه دستمزد اعضای منفرد هیئت‌ها و مدیران اجرایی کلیدی مقرر کند. هیچ‌یک از اعضای هیئت‌ها و مدیران اجرایی نباید در تعیین دستمزد خویش دخالت داشته باشد.

- کمیته انتصاب می‌بایست برای تعیین اعضای هیئت و کارمندان ارشد پیشنهادهای خود را به هیئت‌ها ارائه کند تا موضوعات طرح جانشینی در شرکت را مورد ملاحظه قرار دهند. این کمیته باید تضمین کند که ساختار هیئت با گستره مهارت‌ها، تجربه و تخصص مرتبط با کار شرکت سازگاری دارد و نیز آنکه بخش زیادی از مدیران مستقل وجود دارند که دارای هیچ‌گونه تضاد بالقوه منافع در کار شرکت نیستند.

سرمایه‌گذاران / سهامداران مؤسس باید در معاملات خود با شرکت مسئولانه عمل کنند.

لازم است دو نوع سرمایه‌گذار مؤسس مورد بررسی قرار گیرند. سرمایه‌گذاران خارجی که فعالانه از این نظامنامه حمایت می‌کنند و به طور کلی از به عهده گرفتن نقشی که به آنها محول شده، خرسند خواهند شد. اما سرمایه‌گذاران مؤسس اسلوواکی نیازمند تشویق خواهند بود زیرا آنها تجربیات منفی در این زمینه داشته‌اند، لیکن بدون شک زمانی که شرایط سرمایه‌گذاری بهبود یابد برای بازگشت و سوسه خواهند شد.

در بسیاری از بازارهای پیشرفته سرمایه، سرمایه‌گذاران مؤسس مالک اکثریت سهام در شرکت‌های ثبت شده در بورس هستند. آنها این سهام را از جانب افراد، مانند اعضای صندوق بازنشستگی، انواع بیمه‌نامه و غیره در اختیار دارند. بدین ترتیب در بسیاری از زمینه‌ها منافع مشترک وجود دارد.

در انگلستان بیشترین حمایت از سهامداران منفرد اقلیت عملاً از طریق مشارکت و نظارت سرمایه‌گذاران مؤسس صورت می‌گیرد. نقش آنها در بهسازی معیارها حائز اهمیت بسیاری است.

۶-۱ سرمایه‌گذاران / سهامداران مؤسس مسئولیت دارند از آرای خود استفاده مناسب کنند.

آنها می‌بایست تشویق شوند که به عنوان سرمایه‌گذار منفعل عمل نکرده بلکه نقشی فعال در نظارت بر سرمایه‌گذاری‌هایشان ایفا کنند. برای انجام مؤثر این کار لازم است که دستیابی آسان به تمامی اطلاعات مشروحه فوق داشته و هرگونه اطلاعات اضافی را که به دلیلی نیاز دارند، در دسترس آنها قرار گیرد. شرکت باید گفتگوی سازنده با

سرمایه‌گذاران مؤسس خود را به منزله بخشی اساسی از کار خویش تلقی کند زیرا این سرمایه‌گذاران می‌توانند ثابت کنند که هم‌پیمانی قدرتمند برای هر مدیریتی هستند که به آن اطمینان دارند. بدین ترتیب دسترسی سرمایه‌گذاران مؤسس به مدیریت از اهمیت بسیاری برخوردار است و می‌بایست مدیریت را ملزم به پاسخگویی در قبال اشتباهاتش کنند، از جمله، چنانچه لازم باشد، خواستار استعفای مدیران اجرایی مسئول شوند.

۲-۶ سرمایه‌گذاران / سهامداران مؤسس باید آماده باشند تا هر جا عملی بود، وارد گفتگو با شرکت‌ها بر اساس درک متقابل اهداف شوند.

این امر مستلزم آن است که هیئت اجرایی رویکردی صریح نسبت به سرمایه‌گذاران مؤسس خود اتخاذ کرده و وارد گفتگو با آنها شود.

۳-۶ زمان ارزیابی ترتیبات نظارت شرکت‌ها، به ویژه جایی که به ساختار و ترکیب هیئت‌ها مربوط می‌شود، سرمایه‌گذاران مؤسس باید اهمیت کافی به همه عوامل مربوطه‌ای بدهند که توجه آنها را جلب کرده است.

زمانی که شیوه‌ای برای نظارت شرکت اتخاذ می‌شود، تمامی سرمایه‌گذاران مؤسس می‌بایست نسبت به حصول اطمینان از پذیرش و اجرای نظامنامه توسط شرکت‌هایی که در آنها سرمایه‌گذاری می‌کنند، ترغیب شوند. توجه سهامداران منفرد مسئول ممکن است اغلب به مشکلات سرمایه‌گذاران مؤسس در رابطه با اجرای نظامنامه جلب شود و سرمایه‌گذار مؤسس باید ترغیب شود که چنین اطلاعاتی را مد نظر قرار داده و مطابق با مفاد نظامنامه عمل کند.

۴-۶ سهامداران، از جمله سرمایه‌گذاران مؤسس، باید هزینه‌ها و منافع اعمال حق رأی خود را مد نظر داشته باشند.

باید پذیرفت زمان‌هایی وجود خواهد داشت که سرمایه‌گذار به آسانی نمی‌تواند به پیشرفت‌هایی نایل شود و در این صورت باید امکان یابد، و در واقع ترغیب شود، که با فروش موجودی سهام خود در شرکت "نظر خویش را نسبت به ادامه یا توقف مشارکت ابراز کند." هرگاه شرکت‌هایی پی‌برند که سرمایه‌گذاران این راهکار را پیش خواهند گرفت، می‌بایست به درخواست‌ها و دیدگاه‌های سرمایه‌گذاران مؤسس توجه بیشتری کنند.

۵-۶ سرمایه‌گذاران / سهامداران مؤسس باید خط‌مشی خود را در مورد شرکت‌هایی که در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند، آشکار سازند.

از آنجایی که نظامنامه بر شفافیت و پاسخگویی تأکید دارد، رعایت مفاد آن تا حدود زیادی جذابیت شرکت را برای سرمایه‌گذاران مؤسس افزایش می‌دهد و به این دلیل است که امروزه حمایت بسیاری از آن می‌شود. اما این نکته حائز اهمیت است که خود سرمایه‌گذاران مؤسس نظامنامه را قبول داشته و شرکت‌هایی را که در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند ملزم به چنین کاری سازند، زیرا این امر تأثیر و در واقع کاربست نظامنامه را گسترده‌تر خواهد کرد.

۶-۶ سرمایه‌گذاران / سهامداران مؤسس باید بکوشند گوناگونی‌های غیر ضروری ضوابطی را حذف کنند که هر یک به ترتیبات نظارت شرکت و عملکرد شرکت‌هایی که در آن سرمایه‌گذاری می‌کنند، مربوط می‌شود.

این نکته حائز اهمیت است که سرمایه‌گذاران مؤسس نسبت به شرکت‌هایی که در آنها سرمایه‌گذاری می‌کنند، از خود صراحت نشان دهند و از این رو ضرورت دارد که هرگاه نظامنامه‌ای از سوی اتحادیه‌های سرمایه‌گذاران مؤسس پذیرفته می‌شود، اعضای اتحادیه‌ها آن را به طور یکسان به کار بندند.

۶-۷ سرمایه‌گذاران / سهامداران مؤسس باید، در صورت درخواست، اطلاعات مربوط به آن بخش از تصمیماتی را که به آن رأی داده شده، در دسترس مشتریان قرار دهند و وکالت‌های غیر اختیاری رأی دادن داشته باشند.

سرمایه‌گذاران مؤسس باید نسبت به مشتریان خود به روشی شفاف عمل کرده و رویه مناسبی برای خود اتخاذ کنند. این نکته حائز اهمیت است که آنها سرمشق قرار گرفته، نظامنامه را بپذیرند و آن را به اجرا درآورند.

۶-۸ سرمایه‌گذاران / سهامداران مؤسس باید اقداماتی به عمل آورند تا اطمینان یابند که اهداف آنها در رأی دادن جامه عمل می‌پوشد.

لازم است که سهامداران مؤسس هیئت‌ها را در قبال فعالیت‌هایشان ملزم به پاسخگویی کنند و از این رو باید مراقب باشند که تصمیمات اتخاذ شده در مجمع عمومی به اجرا درآید.

۷-۱ همه سهامداران باید امکان آن را داشته باشند که در ازای پیمال شدن حقوقشان خسارت مناسب دریافت کنند.

اصمیان سرمایه‌گذاران به این که سرمایه فراهم شده آنها از سوءاستفاده یا سوءتخصیص مدیران شرکت، اعضای هیئت‌ها یا سهامداران ناظر محفوظ خواهد بود، عامل مهمی در بازارهای سرمایه است. هیئت‌های شرکت، مدیران و سهامداران ناظر ممکن است امکان اشتغال در فعالیت‌های را داشته باشند که منافع خودشان را با خرج سهامداران غیرناظر پیش ببرد.

یکی از راه‌هایی که سهامداران می‌توانند حقوق خود را اعمال کنند این است که قادر باشند دست به اقدامات قانونی و اداری علیه مدیریت و اعضای هیئت‌ها بزنند.

تجربه نشان داده است که یک عامل تعیین کننده مهم به آن میزان که حقوق سهامدار محفوظ باشد، این است که آیا شیوه‌های کارآمدی برای دریافت خسارت در ازای شکایات با هزینه‌ای معقول و بدون تأخیر بیش از حد، وجود دارد. اطمینان سرمایه‌گذاران اقلیت زمانی افزایش می‌یابد که نظام قانونی سازوکارهایی را برای سهامداران اقلیت فراهم کند تا هرگاه با دلایل منطقی اعتقاد دارند که حقوق آنها نقض شده است، اقامه دعوی کنند.

این مخاطره وجود دارد که یک نظام قانونی، که هر سرمایه‌گذاری را قادر می‌سازد فعالیت شرکت را در محاکم قضایی زیر سؤال ببرد، می‌تواند در معرض دادخواهی بیش از حد قرار گیرد. باید موازنه‌ای میان امکان جبران خواهی دادن به سرمایه‌گذاران در ازای نقض حقوق مالکیت و اجتناب از دادخواهی بیش از حد ایجاد کرد.

بعضی کشورها دریافته‌اند که سایر آیین‌های دادرسی، نظیر جلسات رسیدگی اداری یا رویه‌های داوری سازمان یافته توسط تنظیم‌کنندگان اوراق مالکیت یا سایر نهادهای ذیصلاح قانونی، شیوه‌ای مؤثر برای حل و فصل مباحثه، حداقل در سطح ابتدایی آن، هستند. این مسئله در جایی دارای مزیت افزون است که رسیدگی در محاکم قضایی دچار تأخیر باشد.

۷-۲ همه سهامداران باید تشویق شوند که بپذیرند حقوقی را که به عنوان سهامدار از آن برخوردار هستند، مسئولیت نیز به دنبال دارد.

سهامداران باید تشویق شوند که بپذیرند وظایفی به عهده دارند، مثل حضور در جلسات مجمع عمومی، رأی دادن، رسیدگی دقیق به گزارش‌های سالانه، پرسش از هیئت‌ها و ملزم کردن آنها به پاسخگویی در قبال هرگونه قصور.

چارچوب نظارت جمعی باید حقوق قانونی ذینفعان را به رسمیت بشناسد و همکاری فعال میان شرکت‌ها و ذینفعان را در زمینه ایجاد ثروت و شغل، و تداوم حیات شرکت‌هایی که وضع مالی مناسبی دارند، تشویق کند.

مفهوم کلی ذینفعان ممکن است مستلزم توضیحاتی باشد. این واژه دربرگیرنده شماری از طرف‌هایی است که نسبت به موفقیت و نحوه عملکرد شرکت توجه خاص دارند. این طرف‌ها عبارتند از کارکنان، اعضای جامعه محلی که خواهان تضمین عدم آلودگی محیط زیست خود هستند؛ کسبه محل که به کارکنان شرکت کالا می‌فروشند، قهوه‌خانه‌ها، رستوران‌ها، مدارس، پزشکان، و غیره و واحدهای تجاری که شرکت با آنها معامله دارد، یعنی هم عرضه‌کنندگان کالا، هم عاملان پخش و هم اعتباردهندگان.

یک جنبه کلیدی نظارت جمعی مربوط می‌شود به تأمین جریان سرمایه خارجی به درون مؤسسات تجاری. یافتن راه‌هایی برای تشویق ذینفعان مؤسسه تجاری به برعهده گرفتن سطوحی از سرمایه‌گذاری در شرکت که از لحاظ اجتماعی پربازده باشد، به ویژه سرمایه انسانی و مادی، نیز به نظارت جمعی مربوط می‌شود. قابلیت رقابت و موفقیت نهایی هر شرکت حاصل کار گروهی است که تشریک مساعی تأمین‌کنندگان مختلف منابع از جمله سرمایه‌گذاران، کارکنان، اعتباردهندگان، و فروشندگان را دربرمی‌گیرد. بدین ترتیب بهترین رویه برای هیئت‌ها این است که اجرای تصمیمات‌شان در مورد ذینفعان گوناگون را، به عنوان بخشی از روند تصمیم‌گیری، مورد ملاحظه قرار دهند.

از این رو شرکتی که سازنده عمده در یک ناحیه است، می‌بایست به تأثیر تصمیماتش بر کسبه محل، مردم و اقتصاد توجه داشته باشد. برای مثال، اگر آن شرکت ظرفیت تولید خود را کاهش دهد، تأثیر آن بر عرضه‌کنندگان کالایش، کارکنانش، برخی از کسانی که ممکن است شغل خود را از دست بدهند و فروشگاه‌ها و کسبه محل که احتمال دارد با کاهش مشتری دائمی و درآمد مواجه شوند، حس خواهند کرد.

۱-۱ شرکت‌ها باید درک کنند که تشریک مساعی ذینفعان منبع باارزشی برای تشکیل شرکت‌های قابل رقابت و سودآور است و به حقوق ذینفعان که بر اساس قانون محفوظ است، باید احترام گذاشته شود.

باید پذیرفت که در درازمدت به نفع شرکت‌ها است که همکاری ثروت‌ساز میان ذینفعان را ترویج کنند و می‌بایست اذعان کرد که منافع شرکت با درک منافع ذینفعان و سهم آنها در موفقیت درازمدت شرکت تأمین می‌شود.

در اکثر کشورها، از جمله جمهوری اسلوواکی، حقوق ذینفع بر اساس قوانینی نظیر قانون کار، آیین‌نامه‌های تجاری و مدنی و قانون ورشکستگی مقرر شده است. حتی در آن نواحی که برای منافع ذینفع قانونی وضع نشده است، بسیاری از مؤسسات تجاری تعهداتی نسبت به ذینفعان ایجاد کرده‌اند، زیرا آنها علاقه‌مند به حفظ اعتبار و کارایی شرکت هستند. این پنداری تازه، اما در حال گسترش، برای بسیاری از شرکت‌ها در جمهوری اسلوواکی است. اما، جایی که منافع ذینفع به وسیله قانون حمایت می‌شود، ذینفعان می‌بایست امکان دریافت خسارت قابل‌ملاحظه در ازای نقض حقوق‌شان را داشته باشند و چارچوب و روال قانونی باید شفاف بوده و مانع توانایی ذینفعان در برقراری ارتباط و دریافت خسارت در ازای نقض حقوق‌شان نشود.

۲-۱ چارچوب‌های نظارت جمعی شرکت نقش‌های متفاوتی برای ذینفعان در نظر می‌گیرد.

میزان مشارکت ذینفعان در نظارت جمعی شرکت به قوانین و رویه‌ها بستگی دارد و ممکن است در هر شرکت نیز متفاوت باشد. نمونه‌هایی از سازوکارهای مربوط به مشارکت ذینفعان عبارت است از: نمایندگی از طرف کارکنان در هیئت‌ها؛ طرح‌های مالکیت سهام کارکنان یا سایر سازوکارهای تسهیم سود یا فرایندهای نظارتی که در برخی تصمیم‌گیری‌های کلیدی دیدگاه‌های ذینفعان را مورد ملاحظه قرار می‌دهد. علاوه بر اینها، نمونه‌ای دیگر ممکن است شامل حضور اعتباردهندگان در کار نظارت جمعی شرکت در زمینه اقدامات قانونی مربوط به ورشکستگی باشد.

۳-۱ چنانچه ذینفعان در فرایند نظارت جمعی مشارکت می‌کنند، باید به اطلاعات مربوطه دسترسی داشته باشند.

چنانچه قوانین و رویه نظام‌های نظارت جمعی مشارکت ذینفعان را پیش‌بینی کرده باشد، دسترسی داشتن ذینفعان به اطلاعات لازم برای انجام مسئولیت‌هایشان حائز اهمیت است.